



دوره ۲۱ روزه

از صفر به قبولی

مربی، پشتیبان و برنامه‌ریز موفق رتبه‌های یک رتبی
سال‌های اخیر و ترازهای یک درصد برتر و کالت

با مربیگری: استاد زارعی

جزوه الماس حقوق تجارت

به نام خداوند عدل و داد

جزوه الماس حقوق تجارت

ویژه اعضای محترم دوره ۲۱ روزه مشاهیر

حقوق تجارت ۱

۳	 تاجر و اعمال تجاری (ماده ۱ الی ۱۹ قانون تجارت)
۸	 دلالتی (ماده ۳۳۵ الی ۳۵۵ قانون تجارت)
۱۰	 حق العمل کاری (ماده ۳۵۷ الی ۳۷۶ قانون تجارت)
۱۳	 کارگزار بورس
۱۸	 قرارداد حمل و نقل (ماده ۳۷۷ الی ۳۹۴ قانون تجارت)
۲۱	 قائم مقامی تجاری (ماده ۳۹۵ الی ۴۰۱ قانون تجارت)
۲۲	 ضمانت (ماده ۴۰۲ الی ۴۱۱ قانون تجارت)

حقوق تجارت ۲

۲۴	 کلیات شرکت‌ها
۲۷	 شرکت سهامی (ماده ۱ الی ۳۰۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت)
۴۲	 شرکت با مسئولیت محدود (ماده ۹۴ الی ۱۱۵ قانون تجارت)
۴۳	 شرکت تضامنی (ماده ۱۱۶ الی ۱۴۰ قانون تجارت)
۴۴	 شرکت نسبی (ماده ۱۸۳ الی ۱۸۹ قانون تجارت)
۴۵	 شرکت مختلط غیر سهامی (ماده ۱۴۱ الی ۱۶۱ قانون تجارت)
۴۶	 شرکت مختلط سهامی (ماده ۱۶۲ الی ۱۸۲ قانون تجارت)

حقوق تجارت ۳

۴۷	 کلیات اسناد
۴۹	 برات (ماده ۲۲۳ الی ۳۰۶ قانون تجارت)
۵۵	 سفته (ماده ۳۰۷ الی ۳۰۹ قانون تجارت)
۵۶	 چک (ماده ۳۱۰ الی ۳۱۷ قانون تجارت + قانون صدور چک)

حقوق تجارت ۴ (ماده ۴۱۲ الی ۵۷۵ قانون تجارت + قانون اداره تصفیه)

۶۵	 ورشکستگی
۷۰	 تصفیه ورشکستگی
۷۶	 استرداد
۷۷	 اعاده اعتبار

حقوق تجارت یک (تجّار و معاملات تجاری)

[تاجر و اعمال تجاری]

ضابطه

تشخیص

تاجر

- ◀ **ضابطه شخصی:** ابتدا تاجر شناسایی می شود و سپس برخی اعمال انجام شده (ماده ۳ ق.ت)، صرفاً به دلیل اینکه توسط شخص تاجر انجام شده اند، تجاری تلقی می شود.
- ◀ **ضابطه موضوعی:** مطابق ماده ۱ و ۲ قانون تجارت؛ هر شخصی اعمال مشخص شده در ماده ۲ ق.ت (اعمال تجاری ذاتی) را شغل معمولی خود قرار دهد، تاجر است.
- ◀ **ضابطه مختلط:** به دلیل اینکه قانون تجارت ایران هر دو ضابطه فوق را پذیرفته است، ضابطه مختلط، ضابطه‌ی پذیرفته شده در قانون تجارت ایران است.

تعریف تاجر: (ماده ۱ ق.ت.)

- تاجر کسی (شخص حقیقی / حقوقی: شرکت های تجاری) است که در حال حاضر (نه سابقاً) شغل معمولی خود^۱ را (به صورت مستمر و متعارف) معاملات تجاری (اعمال تجاری ذاتی) قرار بدهد.
- در نتیجه؛ برای تشخیص تاجر ملاک فقط تعریفی هست که بیان شد. برای فهم بهتر مطلب به چند سوال زیر پاسخ می دهیم؛
- ◀ سوال: آیا شخصی که صرفاً دارای سهام یا سهم الشرکه در شرکت های تجاری است، تاجر می باشد؟ پاسخ: خیر
 - ◀ سوال: آیا شخصی که صرفاً دارای کارت بازرگانی است، تاجر می باشد؟ پاسخ: خیر
 - ◀ سوال: آیا اگر شرکت با مسئولیت محدود (شرکت تجاری) اعمال غیر تجاری انجام دهد، تاجر محسوب می شود؟ پاسخ: خیر
 - ◀ سوال: تاجر کیست؟! پاسخ: تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری (اعمال تجاری ذاتی)^۲ قرار بدهد.
 - ◀ سوال: آیا اگر شرکت سهامی (شرکت تجاری) اعمال غیر تجاری انجام دهد، تاجر محسوب می شود؟ پاسخ: بله!
- شرکت های سهامی (عام/خاص) و شرکت های تعاونی برخلاف سایر شرکت های تجاری، حتی در صورتی که موضوع آن ها تجاری نباشد، باز هم تاجراند. (ماده ۲ ل.ا.ق.ت + ماده ۲ قانون شرکت های تعاونی)

آیا همه اشخاص مجاز به انجام اعمال تجاری هستند؟

اصولاً اشخاص برای انجام اعمال تجاری با منع قانونی روبرو نیستند، مگر در استثنائاتی:

ممنوعیت مطلق: سردفتران (به موجب ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران) و قضات (به موجب بند ۲ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات) از اشتغال به کلیه اعمال تجاری منع شده اند.

ممنوعیت نسبی: برخی از افراد از اشتغال به کلیه اعمال تجاری منع نشده اند بلکه صرفاً از انجام بعضی از امور تجاری منع شده اند مانند: کارمندان دولت که از حق العمل کاری در گمرک منع شده اند، نه انجام سایر اعمال تجاری. (بند ۵ ماده ۳۷۷ آیین نامه قانون امور گمرکی)

ادقت داشته باشید که؛ شرکت های سهامی (عام/خاص) و شرکت های تعاونی برخلاف سایر شرکت های تجاری، در صورتی که موضوع آن ها تجاری نباشد، باز هم تاجراند. (ماده ۲ ل.ا.ق.ت + ماده ۲ قانون شرکت های تعاونی)

۲ منظور از اعمال تجاری ذاتی، لیست حصری مندرج در ماده ۲ قانون تجارت می باشد.

مشاهیر! از شما، برای شما، در کنار شما

فرمول: بر هر شخصی، تعریف تاجر که پیش تر بیان شد صدق کند، آن شخص تاجر است، حتی اگر جزو ممنوعیت های مطلق یا نسبی باشد (نظر آزمون و اقوی، مطابق نظر دکتر اسکینی) و یا قانون وی را برای اشتغال به نوع خاصی از تجارت ملزم به دریافت مجوز کرده باشد.

حال با توجه به فرمول فوق به سوال زیر پاسخ می دهیم؛

◀ سوال: «الف» شغل معمولی خود را تصدی به حمل و نقل درون شهری مسافر (عمل تجاری ذاتی) قرار داده است ولی با اینکه مطابق قانون اشتغال به این شغل مستلزم اخذ مجوز یا پروانه از ارگان مربوطه است، اقدام به اخذ مجوز یا پروانه ننموده است، آیا این شخص تاجر است؟ پاسخ: بله، این شخص تاجر است، ولی عمل وی تخلف و دارای ضمانت اجرای قانونی می باشد.

کسبه جزء

کسبه جزء اشخاص حقیقی (نه حقوقی) هستند که مطابق با نظر رئیس قوه قضائیه به صورت زیر تعریف می شوند؛

◀ کسبه، پیشه وران، تولید کنندگان و نمایران آنها که اشتغال به ارائه کالا هستند؛ نباید فروش سالیانه آنها از ۴ میلیارد ریال متجاوز باشد.

◀ ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه ای؛ نباید عایدی سالیانه آنها از ۲ میلیارد ریال متجاوز باشد.

تفاوت تجار عمده با کسبه جزء	
کسبه جزء	تجار عمده
صرفاً می تواند شخص حقیقی باشد.	می تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
تکلیفی به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری ندارند. (ماده ۶ ق.ت)	مکلف به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری هستند.
تکلیفی به درج نام در دفتر ثبت تجارتی ندارند. (ماده ۱۶ ق.ت)	مکلف به درج نام در دفتر ثبت تجارتی هستند.
ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی پذیرفته می شود. (ماده ۵۱۲ آ.د.م)	ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی پذیرفته نمی شود.

اعمال تجاری

- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- تصدی** به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین **تصدی** به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- تصدی** به عملیات حراجی.
- تصدی** به هر قسم نمایشگاه های عمومی.
- هر قسم عملیات صراف و بانکی.
- معاملات برواتی (نه چک) اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
- عملیات بیمه بحری و غیر بحری
- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها. (مطابق با نظر دکتر اسکینی، کشتیرانی نظامی مشمول این بند نیست و تجاری تلقی نمی شود، چرا که قصد انتفاع وجود ندارد).

اعمال
تجاری
ذاتی

(ماده ۲ ق.ت)

دقت داشته باشید که: هر کجا عمل تجاری دیدیم لزوماً نباید دنبال شخص تاجر بگردیم چرا که؛ ممکن است عملی تجاری باشد، ولی شخصی که آن عمل را انجام داده تاجر محسوب نشود، چون ممکن است شخص مشمول تعریف بیان شده برای تاجر، نشود. جهت آشنایی و فهم بهتر اهم نکات اعمال تجاری ذاتی، سولاتی به شرح زیر طرح می گردد؛

◀ سوال: آیا فروش (بیع) یا اجاره دادن یا رهن دادن، عمل تجاری است؟ پاسخ: خیر - چرا که خرید یا تحصیل هر نوع مال **منقول** به قصد فروش (در حین خرید یا تحصیل) عمل تجاری است.

◀ سوال: آیا خرید یا تحصیل مال **غیر منقول** به قصد فروش یا اجاره، عمل تجاری است؟ پاسخ: خیر - مطابق ماده ۴ ق.ت، معاملات غیر منقول به هیچ وجه، تجارتی محسوب نمی شوند. (در این خصوص دقت داشته باشید که برخی از نویسندگان و استادان حقوق، ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها یعنی؛ ساختن خانه و آپارتمان و محل کسب را به منظور فروش یا اجاره یا پیشه یا سکونت را که عمل تجاری است، استثنائی بر ماده ۴ ق.ت. می دانند.)

◀ سوال: آیا اگر شرکت های سهامی، معاملات غیر منقول انجام دهند، تاجر محسوب می شوند؟ آیا عمل انجام شده تجاری تلقی می شود؟

پاسخ قسمت اول: بله - چون مطابق آنچه که پیش تر بیان شد؛ شرکت های سهامی (عام/خاص) و شرکت های تعاونی برخلاف سایر شرکت های تجاری، در صورتی که برای موضوعات غیر تجاری تشکیل شوند، باز هم تاجراند. پاسخ قسمت دوم: خیر - مطابق ماده ۴ ق.ت، معاملات غیر منقول به هیچ وجه، تجارتی محسوب نمی شوند.

◀ سوال: منظور قانون گذار از واژه «تصدی» در بندهای ۳، ۴، ۵ و ۶ ماده ۲ ق.ت چیست؟ پاسخ: یعنی آن عمل باید در قالب **بنگاه** و به صورت **منظم و مستمر** صورت پذیرد.

◀ سوال: آیا اگر شغل شخصی، اجاره کشتی باشد، تاجر محسوب می شود؟ پاسخ: بله - برخلاف سایر اموال منقول، هر نوع معامله در مورد کشتی اعم از؛ اجاره، فروش، خرید بدون داشتن قصد فروش یا اجاره، عمل تجارتی است.

اعمال تجاری تبعی

(ماده ۳ ق.ت)

(۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک ها.

(۲) کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می نماید.

(۳) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می نماید.

(۴) کلیه معاملات شرکت های تجارتی.

معاملات فوق به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می شود.

فرمول تشخیص معاملات تجاری تبعی: کلیه معاملات تاجر، بجز موارد مذکور در ماده ۲ ق.ت (معاملات تجاری ذاتی)، اعم از اینکه طرف معامله با او تاجر باشد یا غیر تاجر، به شرط آنکه برای رفع حوائج تجاری باشد، عمل تجاری تبعی است. (مطابق ماده ۵ ق.ت اصل بر این است که کلیه معاملات تاجر، تجارتی تبعی است مگر خلاف آن ثابت شود.)

طبق ماده ۵۴ ل.ا.ق.ت، این عمل تجاری نیست.

◀ صرف خرید سهام یا اوراق قرضه

آیا این عمل می تواند تجاری تبعی باشد؟ بله؛ با رعایت فرمول مذکور.

تکالیف تجار

۱. تنظیم دفاتر تجاری (ماده ۶ ق.ت)

۲. ثبت نام در دفاتر تجاری (ماده ۱۶ ق.ت)

۳. اعلام ورشکستگی (ماده ۴۱۳ ق.ت)

دفاتر تجاری عبارتند از :

۱	دفتر روزنامه: دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و جوهری را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.
۲	دفتر کل: دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.
۳	دفتر دارائی: دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.
۴	دفتر کپی: دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های صادره خود را در آن بترتیب تاریخ ثبت نماید. (دقت داشته باشید که؛ تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.)

◀ **سوال:** تنها دفتر تجاری که باید به امضای خود تاجر برسد، کدام است؟ **پاسخ:** دفتر دارائی

◀ **سوال:** کدام دفتر برخلاف دفاتر تجاری دیگر، نیاز به امضای نماینده ثبت ندارد؟ **پاسخ:** دفتر کپی (ماده ۱۱ ق.ت) — **دقت**

داشته باشید که: دفتر کپی نیز مانند سایر دفاتر تجاری، باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد؛ یعنی شماره صفحات آن باید مشخص باشد.

◀ علیه تاجر) در هر حال قابل استناد است.

علت: چون مطابق ماده ۱۳۰۰ ق.م، نوعی اقرار کتبی محسوب می شود.

◀ که تاجر) اگر ۳ شرط توأمان وجود داشته باشد قابل استناد است؛

شرط اول: دعوا مربوط به امور تجاری باشد.

شرط دوم: دفاتر مطابق مقررات تنظیم شده باشد.

شرط سوم: دعوا بین تاجر باشد. (طرفین دعوا تاجر باشند).

**استناد به
دفاتر
تجاری**

♦ در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال

دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در **دفتر ثبت تجارتی** به ثبت برسانند در غیر

این صورت با ضمانت اجراهای زیر مواجه خواهند شد:

۱. به جزای نقدی مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

۲. ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شوند.

مشاهیر؛ از شما، برای شما، در کنار شما

دقت داشته باشید که: «ثبت نام در دفتر ثبت تجاری» با «ثبت اسم تجاری» اشتباه گرفته نشود، لذا برای فهم وجه افتراق این دو، به جدول زیر توجه نمایید:

ثبت نام در دفتر ثبت تجاری	ثبت اسم تجاری
ثبت نام الزامی است.	ثبت اسم تجاری اختیاری است، مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند.
ضمانت اجرای عدم ثبت نام؛ ۱. به جزای نقدی مقرر در قانون محکوم خواهند شد. ۲. ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود.	ضمانت اجرای عدم ثبت: در مواردی که ثبت اسم تجاری الزامی شده در موعد مقرر ثبت به عمل نیاید، اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت مأخوذ خواهد داشت.

◀ صاحب تجارتخانه که شریک در تجارتخانه ندارد، نمی تواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

◀ اسم تجاری ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجاری خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجاری ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

◀ اسم تجاری قابل انتقال است.

◀ مدت اعتبار ثبت اسم تجاری پنج سال است.

**اسم
تجاری**

(ماده ۵۷۶ الی ۵۸۲ ق.ت)

【 دلالی 】

دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. در موارد سکوت قانون تجارت، قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

◀ **سوال:** آیا دلالی عمل تجاری است؟ دلال در چه صورتی تاجر است؟ پاسخ قسمت اول: دلالی طبق ماده ۲ ق.ت عمل تجاری می باشد.

پاسخ قسمت دوم: دلال در صورتی تاجر است که مشمول تعریف تاجر شود، یعنی؛ شخص باید دلالی را شغل معمولی خود قرار دهد تا وی را تاجر بدانیم.

♦ دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

◀ دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند- دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می باشد.

◀ دلال بدون داشتن اجازه نامه مخصوص، نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آن ها را به موقع اجرا گذارد.

◀ دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است. (تعهد به نتیجه)

◀ در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه دارد، مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

◀ دلال در صورتی می تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند که آمرین را از این ترتیب وامور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.

◀ هر گاه معامله توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشتجات و اسناد مزبور است.

◀ دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.

◀ دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست، مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

◀ هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

◀ مسئولیت دلال در صورتی که در نفس معامله منتفع یا سهم باشد؛ توضیح در جدول بعدی ...

وظایف

و

مسئولیت های دلال

جمع مواد ۳۴۶ و ۳۴۷ ق.ت	
ماده ۳۴۷ ق.ت	ماده ۳۴۶ ق.ت
در صورتی که دلال در معامله سهم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.	در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع (ذینفع) یا سهم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به ۲۵ میلیون ریال تا ۶۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
جمع بندی: در صورتی که دلال در معامله سهم (نه منتفع) باشد، یعنی در موضوع معامله مالکیت داشته باشد، در هر حال (اعم از اینکه به طرف مقابل اطلاع بدهد یا نه) با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود. لذا در اطلاع دادن در فرض سهم یا منتفع (ذینفع) بودن، موجب می شود؛ دلال مسئول خسارات وارده نباشد و به جزای نقدی مقرر در قانون محکوم نشود.	

اجرت دلال

- ◀ دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند، مگر در صورتیکه معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد. (منعقد شده باشد) در نتیجه؛ دلال مطلقاً حق حبس ندارد. (ولی حق العمل کار حق حبس دارد).
- ◀ هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد و همچنین شرط شده باشد که مخارجی که دلال می کند به او داده شود، پس از حصول شرط تعلیقی، مستحق اجرت خواهد بود، ولی حتی اگر معامله سرنگیرد، مستحق اخذ مخارج خواهد بود.
- ◀ حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده، مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب مقرر شده باشد.
- ◀ دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.
- ◀ در صورتیکه معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

مخارج دلالی (ماده ۳۵۱ ق.ت)	
اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتی محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.	
نتیجه گیری	
مخارجی که دلال برای انجام کار دلالی، مثل هزینه تبلیغ برای پیدا کردن طرف معامله، متحمل می شود بر عهده خودش است.	اصل
۱. در صورت توافق طرفین مبنی بر پرداخت هزینه مخارج دلالی، توسط آمر.	استثنائات
۲. اگر بر اساس عرف تجارتی محل، مخارج دلالی بر عهده آمر باشد.	

[حق العمل کاری]

حق العمل کار (کمپسیون) کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

◀ **سوال:** آیا حق العمل کاری عمل تجاری است؟ حق العمل کار در چه صورتی تاجر است؟ پاسخ قسمت اول: طبق ماده ۲ ق.ت عمل تجاری می باشد.

پاسخ قسمت دوم: حق العمل کار در صورتی تاجر است که مشمول تعریف تاجر شود، یعنی؛ شخص باید حق العمل کاری را شغل معمولی خود قرار دهد تا وی را تاجر بدانیم.

◀ حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.

◀ حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموال موضوع معامله نیست، مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

◀ اگر مال التجاره که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد، حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) به وسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه به عمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند، و گرنه مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

◀ اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده، حق العمل کار می تواند و حتی در صورتی که؛ منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.

◀ اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

◀ اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد، ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود، معذالک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتی محل باشد، حق العمل کار مأذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

◀ اگر، ۱. فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده + ۲. آمر مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد = حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او به طریق مزایده به فروش برساند.

وظایف
و
مسئولیت های

تفاوت ماده ۳۶۳ ق.ت با ماده ۳۶۵ ق.ت	
مسئولیت حق العمل کار نسبت به ارزان فروشی	ممنوعیت استفاده از تفاوت قیمت توسط حق العمل کار
اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده، بفروش رساند، مسئول تفاوت خواهد بود. (مسئولیت نسبت به ارزان فروشی) مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.	اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند، حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد. (ممنوعیت استفاده از تفاوت قیمت) لذا، اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود + آمر می تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند. + مجازات خیانت در امانت نیز بر وی اعمال خواهد شد.

اجرت (حق العمل) حق العمل کار؛

وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد. نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.

مقایسه (زمان استحقاق اجرت)	
اجرت دلالی	اجرت حق العمل کار
معامله منعقد شده باشد.	معامله منعقد + اجرا شده باشد.

جمع بندی استحقاق حق العمل کار به دریافت اجرت؛

- عدم اجرا مستند به فعل حق العمل کار باشد ← مستحق اجرت نیست.
- عدم اجرا مستند به آمر باشد ← مستحق اجرت المسمی است.
- عدم اجرا مستند به فعل طرف معامله باشد ← مستحق اجرت المثل است.
- عدم اجرا مستند به قوه قاهره باشد ← مستحق اجرت المثل است.

◀ سوال: آیا حق العمل کار حق حبس دارد؟

پاسخ: اگر بخواهیم مطابق ماده ۳۷۱ ق.ت. به سوال مذکور پاسخ دهیم، باید بگوییم؛ حق العمل کار حق حبس دارد، چرا که ماده ۳۷۱ ق.ت. بیان می دارد؛ «حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده، حق حبس خواهد داشت.» (در آزمون های حقوقی این ماده را در خصوص حق حبس ملاک بدانید) ولی اگر بخواهیم مطابق تعریف حق حبس در قانون مدنی (حق حبس اصطلاحی) به سوال پاسخ دهیم، باید بگوییم؛ حق العمل کار حق حبس ندارد، چرا که ماده طبق ماده ۳۷۷ ق.م در خصوص حق حبس، نسبت به انجام اصل تعهد سخن می گوید لذا حق العمل کار مطابق ماده ۳۶۹ ق.ت قبل از اجرای معامله مستحق اجرت نیست و حق حبس ندارد.

مخارج حق العمل کاری؛ (ماده ۳۶۸ ق.ت.)

مخارجی که حق العمل کار کرده و ۱. برای انجام معامله و ۲. نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود.
 حق العمل کار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد.

آیا حق العمل کار می تواند با خود معامله کند؟

اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي و یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاه دارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد. (ماده ۳۷۳ ق.ت)
 نتیجه: حق العمل کار صرفاً در صورتی که مال موضوع حق العمل کاری مظنه بورسی یا بازاری داشته باشد، می تواند معامله با خود کند.
دقت داشته باشید: اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود ولی می تواند با شخص دیگری معامله کند. (ماده ۳۷۶ ق.ت.)

◀ سوال: در چه صورتی اگر مال موضوع حق العمل کاری مظنه بورسی یا بازاری داشته باشد، حق العمل کار نمی تواند معامله با خود کند؟
 پاسخ: در صورتی که آمر دستوری خلاف این مقرر داده باشد.

دقت داشته باشید که: مطابق ماده ۳۷۴ ق.ت.؛ در معامله با خود، حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادی حق العمل کاری را برداشت کند.

◀ سوال: در هر موردیکه حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد تکلیف چیست؟
 پاسخ: طبق ماده ۳۷۵ ق.ت. خودش (حق العمل کار) طرف معامله محسوب خواهد شد.

[کارگزار بورس]

◀ سوال: معاملات بورسی از چه طریقی صورت می گیرد؟

پاسخ: معاملات بورسی باید از طریق و با وساطت کارگزاران بورس انجام شود مگر آنکه شخصی خود مجوز معامله گری بورس را از اخذ کرده باشد. مجوز معامله گری این اجازه را به اشخاص می دهد که بدون نیاز به مراجعه به کارگزار خود اقدام به خرید و فروش سهام در بورس بنماید. دقت داشته باشید که: **کارگزار بورس**، اوراق بهادار را برای دیگران خرید و فروش می کند اما **معامله گر**، اوراق بهادار را برای خود خرید و فروش می کند.

کارگزار بورس: شخص **حقوقی** است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آنها معامله می کند. (کارگزاران بورس باید در قالب شرکت ثبت شده باشند بنابراین اشخاص حقیقی نمی توانند کارگزار بورس باشند).

◀ سوال: کارگزاران بورس دلال اند یا حق العمل کار یا عامل؟!

پاسخ: در میان حقوقدانان در زمینه ماهیت حقوقی عملکرد کارگزار، اختلاف نظر وجود دارد، استاد دکتر حسن ستوده تهرانی و دکتر ربیعا اسکینی کارگزاران را حق العمل کار می دانند.

ولی با توجه به تعریف حق العمل کار به نظر می رسد که این نظر صحیح نمی باشد؛ زیرا حق العمل کار بنا به تعریف قانون تجارت مشخص است که به اسم خود ولی به حساب دیگری معامله می نماید. فلذا عامل دانستن آنها معقول تر می باشد، بدین توضیح که؛ مشتری به ایشان مأموریت می دهد که علاوه بر پیدا کردن طرف معامله، از جانب مشتری با آن طرف معامله، قرارداد خرید و فروش سهم را نیز منعقد کند.

به بهانه مبحث کارگزار بورس به بررسی **قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران** می پردازیم:

• **بورس**: به بازاری سازمان یافته (نوعی سیستم خرید و فروش) گفته می شود که کار قیمت گذاری، خرید و فروش کالا و اوراق بهادار در آن انجام می پذیرد.

بورس به دو نوع؛ ۱. بورس کالا و ۲. بورس اوراق بهادار، طبقه بندی می شود.

• اوراق بهادار: هر نوع ورقه یا سندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد.

◀ سوال: تعیین و اعلام اوراق بهادار قابل معامله بر عهده کیست؟ شورای عالی بورس و اوراق بهادار

◀ سوال: نام دیگر اوراق بهادار چیست؟ ابزار مالی

• **بورس اوراق بهادار**: بازاری متشکل و خودانتظام است که اوراق بهادار در آن توسط **کارگزاران** و یا **معامله گران**، مورد داد و ستد قرار می گیرد. ← بورس اوراق بهادار در قالب **شرکت سهامی عام** تأسیس و اداره می شود.

• **بورس کالا**: بازاری متشکل و خودانتظام است که در آن خرید و فروش کالاهای معین صورت می گیرد و به طور منظم و دائم فعال است. در بورس کالا معمولاً مواد خام و مواد اولیه مورد معامله قرار می گیرد. هر بورس کالا را با نام همان کالایی که مورد معامله قرار می گیرد، نام گذاری می کنند. مثل بورس نفت یا بورس گندم.

← بورس کالا در قالب **شرکت سهامی عام** تأسیس و اداره می شود.

بازارهای بورس	
بازاری است که اولین عرضه و پذیره نویسی اوراق بهادار جدیداً انتشار در آن انجام می شود و منابع حاصل از عرضه اوراق بهادار در اختیار ناشر قرار می گیرد.	بازار اولیه
(ناشر: شخص حقوقی است که اوراق بهادار را به نام خود منتشر می کند).	
بازاری است که اوراق بهادار، پس از عرضه اولیه، در آن مورد داد و ستد قرار می گیرد.	بازار ثانویه
بازاری است که در آن قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا داد و ستد می شود.	بازار مشتقه
(قراردادهای آتی و اختیار معامله در مباحث بعدی توضیح داده خواهد شد).	

• قراردادهای قابل معامله در بورس کالا:

تمامی داد و ستدها در بورس کالا در قالب قراردادهای از پیش تعریف شده انجام می شود، این قراردادها عبارتند از:		
قراردادهای نقدی		در این قرارداد خریدار باید کل مبلغ قرارداد را به علاوه کارمزد کارگزار به صورت نقد پرداخت کند و فروشنده نیز باید حداکثر ظرف سه روز، کالای مورد معامله را به خریدار تحویل دهد.
قرارداد سلف		در این قرارداد کل مبلغ قرارداد در زمان انجام معامله توسط خریدار پرداخت می شود و فروشنده متعهد می شود در تاریخ مشخص و زمان معین، کالا به خریدار تحویل دهد.
قرارداد نسیه		قراردادی است که کالا به صورت فوری به خریدار تحویل داده می شود و بهای آن در سررسید به فروشنده پرداخت می شود.
قرارداد آتی		
فروشنده مطابق قرارداد صلح مقدار معینی از دارایی مشخص را در مقابل مبلغ معینی به دیگری صلح می کند. بر اساس این قرارداد فروشنده مقدار دارایی مورد مصالحه را در سررسید مشخص تحویل می دهد و خریدار نیز مبلغ مورد مصالحه را در سررسید می پردازد. طرفین در قالب شرط ضمن عقد به اتاق پایاپای و کالت می دهند که از وجه الضمان آن ها متناسب با نواسانات قیمت در بورس به طرف دیگر اباحه تصرف کند. هر یک از طرفین می توانند قبل از سررسید با انعقاد قرارداد صلح دیگری شخص ثالثی را جایگزین خود در قرارداد صلح اولیه نمایند و پس از تسویه از قرارداد خارج شوند. کلیه قراردادها در زمان سررسید مقرر تسویه خواهند شد.		
قرارداد اختیار خرید	قرارداد	قراردادی است که به موجب آن عرضه کننده کالا حق خرید مقدار معینی از کالای مورد نظر و منطبق با استاندارد بورس را در زمان معین و با قیمت مشخص به طرف قرارداد مصالحه می کند، بدون آنکه طرف دیگر ملزم به خرید آن باشد.
	اختیار خرید	
قرارداد اختیار معامله	قرارداد	قراردادی است که به صورت شرط ضمن عقد لازم که به موجب آن یک طرف قرارداد (خریدار) حق فروش مقدار معینی از کالای مورد نظر و منطبق با استاندارد بورس را در زمان معین و با قیمت مشخص به طرف دیگر صلح می کند، بدون آنکه طرف دیگر (فروشنده) ملزم به فروش آن باشد.
	اختیار فروش	
قراردادهای معاوضه		
قرارداد معاوضه، عبارت است از معامله ای به صورت مبادله یک دارایی فیزیکی یا یک تعهد در برابر یک دارایی فیزیکی یا تعهدی دیگر به منظور تمدید یا کاهش زمان سررسید معامله و یا افزایش یا کاهش نرخ برگه های معاملاتی جهت حداکثر نمودن درآمد معاملاتی و یا کاهش هزینه های مالی آن. این قرارداد می تواند به صورت خرید ارز از یک بازار نقدی و فروش آن بلافاصله در یک بازار سلف انجام گیرد.		

سوال	جواب
بالاترین رکن بازار اوراق بهادار با کدام نهاد است؟	شورای عالی بورس و اوراق بهادار
تصویب سیاست‌های کلان بازار اوراق بهادار را کدام نهاد بر عهده دارد؟	شورای عالی بورس و اوراق بهادار
مصوبات شورای عالی بورس و اوراق بهادار چه زمانی لازم‌الاجراست؟	پس از تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی
ریاست شورای عالی بورس و اوراق بهادار با کیست؟	وزیر امور اقتصاد و دارایی

• اوراق معاف از ثبت در سازمان بورس و اوراق بهادار:

اوراق ذیل از ثبت در نزد سازمان بورس معاف‌اند، یعنی انتشار آن‌ها نیاز به مجوز سازمان بورس ندارد:	
۱	اوراق مشارکت دولت، بانک مرکزی و شهرداری‌ها.
۲	اوراق مشارکت منتشره توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی.
۳	اوراق بهادار عرضه شده در عرضه‌های خصوصی.
۴	سهام هر شرکت سهامی عامی که کل حقوق صاحبان سهام آن کمتر از رقم تعیین شده توسط سازمان باشد.
۵	سایر اوراق بهاداری که به تشخیص شورا نیاز به ثبت نداشته باشند، از قبیل اوراق منتشره توسط سازمان‌ها و مراجع قانونی دیگر.
نکته: با وجود اینکه این اوراق از ثبت در نزد سازمان بورس معاف‌اند، ناشر اوراق بهاداری که از ثبت معاف است موظف است مشخصات و خصوصیات اوراق و نحوه و شرایط توزیع و فروش آن را به سازمان بورس گزارش کند.	

• شورای عالی بورس و اوراق بهادار:

**برخی از
وظایف
شورای
عالی
بورس و
اوراق
بهادار**

۱. تصویب ابزارهای مالی جدید
۲. نظارت بر فعالیت و رسیدگی به شکایت از سازمان بورس و اوراق بهادار
۳. انتخاب بازرس/حسابرس سازمان بورس و اوراق بهادار و تعیین حق الزحمه آن
۴. انتخاب اعضای هیأت مدیره سازمان
۵. انتخاب اعضای هیأت داورى بورس و تعیین حق الزحمه آنان
۶. انتخاب رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار
۷. اعطای مجوز به بورس به منظور عرضه اوراق بهادار شرکت‌های پذیرفته شده خود در بازارهای جهانی
۸. اعطای مجوز پذیرش اوراق بهادار خارجی به بورس
۹. اعطای مجوز به بورس جهت معاملات اشخاص خارجی در بورس
۱۰. سایر اموری که به تشخیص هیأت وزیران به بازار اوراق بهادار مربوط باشد

• سازمان بورس و اوراق بهادار:

- اوصاف سازمان بورس و اوراق بهادار؛

۱. مؤسسه عمومی غیر دولتی است.
۲. دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل است.
۳. از محل کارمزدهای دریافتی و سهمی از حق پذیرش شرکت‌ها در بورس‌ها و سایر درآمدها اداره می‌شود.

- هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار؛

- دارای پنج عضو است.
- به پیشنهاد رئیس شورای عالی بورس و اوراق بهادار و با تصویب این شورا انتخاب می‌شوند.
- از میان افراد امین و دارای حسن شهرت و تجربه در رشته مالی منحصرأ از کارشناسان بخش غیر دولتی انتخاب می‌شوند.
- مدت عضویت هر یک از اعضای هیأت مدیره پنج سال است و انتخاب مجدد آنان برای یک دوره دیگر بلامانع است.
- رئیس هیأت مدیره سازمان از بین اعضاء هیأت مدیره به پیشنهاد اعضاء و تصویب شورا برای مدت سی ماه تعیین خواهد شد.
- رئیس هیأت مدیره، رئیس سازمان و بالاترین مقام اجرایی آن خواهد بود.

مهم‌ترین وظایف و اختیارات هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار	
۱	ثبت و صدور مجوز عرضه عمومی اوراق بهادار و نظارت بر آن.
۲	اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری از وقوع تخلفات در بازار اوراق بهادار.
۳	پیشنهاد بکارگیری ابزارهای مالی جدید در بازار اوراق بهادار به شورای عالی بورس.
۴	نظارت بر سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در بورس.
۵	صدور تأیید نامه سازمان قبل از ثبت شرکت‌های سهامی عام نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و نظارت سازمان بر آن شرکت‌ها.
۶	انجام تحقیقات کلان و بلند مدت برای تدوین سیاست‌های آتی بازار اوراق بهادار.
۷	همکاری و مشارکت با مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی.

نکته: انتشار اوراق مشارکت، با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار صورت می‌گیرد.

• شرکت تأمین سرمایه:

شرکتی است که به عنوان واسطه بین ناشر اوراق بهادار و عامه سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کند و می‌تواند فعالیت‌های کارگزاری، معامله‌گری، بازار گردانی، مشاوره، سبد گردانی، پذیره‌نویسی، تعهد پذیره‌نویسی و فعالیت‌های مشابه را با اخذ مجوز از «سازمان» انجام دهد.

• شرکت مادر (هلدینگ):

شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آنقدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیأت مدیره را انتخاب کند و یا در انتخاب اعضای هیأت مدیره مؤثر باشد.

• هیأت داوری بورس

۱. اختلافات بین کارگزاران، بازار گردانان، کارگزار / معامله گران، مشاوران سرمایه گذاری، ناشران، سرمایه گذاران و سایر اشخاص ذی ربط ناشی از فعالیت حرفه ای آنها، در صورت عدم سازش در کانون ها توسط هیأت داوری رسیدگی می شود. ۲. دعاوی ناشی از عدم پرداخت سود توسط ناظران موضوع ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید نیز در این مرجع رسیدگی می شود.	صلاحیت
هیأت داوری متشکل از سه عضو می باشد که یک عضو توسط رئیس قوه قضاییه از بین قضات باتجربه و دو عضو از بین صاحب نظران در زمینه های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تأیید شورا به اختلافات رسیدگی می نماید. رئیس قوه قضاییه و سازمان با تأیید شورا علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک، عضو علی البدل تعیین و معرفی می نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داوری شرکت نماید. شرایط عضو علی البدل همانند عضو اصلی می باشد.	تشکیلات
ریاست هیأت داوری با نماینده قوه قضاییه خواهد بود.	ریاست
مدت مأموریت اعضای اصلی و علی البدل دو سال می باشد و انتخاب مجدد آنان حد اکثر برای دو دوره دیگر بلامانع است.	مدت مأموریت اعضای اصلی و علی البدل
در محل سازمان تشکیل می گردد.	محل تشکیل دبیر خانه هیأت داوری
قطعی و لازم الاجراء است و اجرای آن به عهده اداره ها و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک می باشد. (مرجعی برای تجدیدنظر پیش بینی نشده است).	آرای صادر شده از سوی هیأت داوری

قرارداد حمل و نقل

متصدی حمل و نقل کسی است که: در مقابل اجرت، حمل اشیاء (حمل و نقل اشخاص تابع مقررات قانون مدنی است) را به عهده می گیرد.

دقت داشته باشید که: حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات قانون تجارت نیست.

◀ سوال: قرارداد حمل و نقل در موارد سکوت قانون تجارت، تابع مقررات خواهد بود؟

(۱) وکالت

(۲) اجاره اشخاص

پاسخ: طبق ماده ۳۷۸ ق.ت، گزینه ۱ صحیح است.

نکاتی که ارسال کننده باید به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند:	
۱	آدرس صحیح مرسل ^۱ ؛
۲	محل تسلیم مال؛
۳	عده (تعداد) عدل یا بسته و طرز عدل بندی؛ نکته: ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره به طرز مناسبی عدل بندی شود - خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ارسال کننده است مگر؛ ۱. شرط خلاف شده باشد یا ۲. عدل بندی عیب ظاهر داشته باشد و متصدی حمل بدون قید عدم مسئولیت مال را قبول کند یا ۳. متصدی حمل خودش عدل بندی را انجام داده باشد. (مواد ۳۸۰ و ۳۸۱ ق.ت)
۴	وزن و محتوی عدل ها؛
۵	مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود؛
۶	راهی که حمل باید از آن راه به عمل آید؛
۷	قیمت اشیائی که گران بها است.
ضمانت اجرای اطلاع ندادن موارد فوق چیست؟	
ارسال کننده مسئول خسارات ناشی از آنها خواهد بود.	

◀ سوال: آیا متصدی حمل نسبت به محموله جهت وصول مطالبات خود، حق حبس دارد؟

پاسخ: بله (مواد ۳۸۲ و ۳۸۵ ق.ت).

ارسال کننده کالا در صورتی می تواند استرداد کالا را از متصدی حمل بخواهد که ...

با جمع ۲ شرط زیر؛

۱. مال هنوز در ید متصدی حمل باشد و به مرسل^۱ علیه تسلیم نشده باشد.

۲. پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او توسط ارسال کننده.

◀ سوال: در چه مواردی ارسال کننده حق استرداد کالا را نخواهد داشت؟

پاسخ: در موارد زیر؛

۱. در صورتی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.
 ۲. در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد.
 ۳. در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.
 ۴. در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.
- دقت شود که: در موارد ۴ گانه فوق، متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده، مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

طبق ماده ۳۸۹ ق.ت: متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره به مقصد، مرسل الیه را مستحضر نماید، لذا این امر آثاری از جمله اینکه تعهد متصدی حمل بابت حفاظت از کالا و خساراتی که به آن وارد می شود از تعهد به نتیجه به تعهد به وسیله تبدیل می شود. (دقت شود که: متصدی حمل تا زمانی که کالا را به مقصد نرساند مستحق دریافت اجرت نیست؛ چرا که تعهد وی، از اقسام تعهد به نتیجه است.)

◀ سوال: اگر مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید کدام اقدام از سوی متصدی حمل و نقل باید صورت گیرد؟

پاسخ: متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند.
دقت شود: حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره به فروش خواهد رسید مسبق (مطلع) نمود.

مخارج و اجرت متصدی حمل:

◀ سوال: پرداخت اجرت و مخارج متصدی حمل بر عهده کیست؟

پاسخ: ارسال کننده ✓

مرسل الیه ✕

◀ سوال: اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تأدیه

نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد تکلیف متصدی حمل و نقل چیست؟

پاسخ: متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود به طور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت (اعم از اینکه موقتاً نزد خود به طور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد) مخارج و هر نقص و عین به عهده ارسال کننده خواهد بود. (تبدیل تعهد متصدی حمل بابت حفاظت از کالا و خساراتی که وارد شود، از «تعهد به نتیجه» به «تعهد به وسیله»)
دقت شود: اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می تواند مطابق قانون آن را به فروش برساند.

نکته: طبق مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ ق.ت؛ تعهد متصدی حمل تعهد به نتیجه است؛ بنابراین متصدی حمل اصولاً مسئول نقص یا تلف یا خسارات دیگری است که به کالای مورد حمل وارد خواهد شد مگر اثبات قوه قاهره یا اثبات اینکه خسارات ناشی از فعل ارسال کننده یا مرسل الیه می باشد.

اختلافاتی که ممکن است از قرارداد حمل و نقل به وجود آید (مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ ق.ت):

♡ اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده.

◀ سوال: متصدی حمل و نقل در چه صورتی مسئول آواری غیرظاهر نیز خواهد بود؟

پاسخ: در صورتی که مرسل‌الیه آن را در مدتی مطابق اوضاع و احوال رسیدگی (مدت متعارف) مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد.

دقت شود: در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیت‌دار محل می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی‌الاقتضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده به عمل آید.

دقت شود: به وسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعا می‌شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال التجاره می‌توان جلوگیری کرد.

مرور زمان: (ماده ۳۹۳ ق.ت)

نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یکسال است - مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل‌الیه تسلیم شده است.

[قائم مقامی تجاری]

قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است.

دقت شود: سمت **قائم مقامی تجاری** ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.

☐ می شود

♡ قائم مقام تجارتي ذاتاً عمل تجاري محسوب ...

☒ نمی شود

♡ تحديد اختيارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.

♦ **قائم مقامی تجاری با وکالت** در امور شرکت متفاوت است چرا که؛

۱. وکالت راجع به **قسمتی** از امور تجارتخانه یا یکی از شعب آن می باشد؛ در حالی که قائم مقام تجارتي راجع به **کلیه** امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن است.
۲. وکالت در امور تجارتخانه، تابع قانون مدنی است؛ ولی قائم مقام تجارتي تابع قانون تجارت است.

◀ **سوال:** آیا قائم مقام تجارتي بدون اذن رئیس تجارتخانه می تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد؟

پاسخ: خیر.

قائم مقام تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به **ثبت** رسیده و **اعلان** شده باشد.

انحلال قائم مقامی:

۱. **عزل قائم مقام تجارتي:** در این خصوص توجه شود که؛ عزل قائم مقام تجارتي که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود.
۲. **انحلال شرکت:** توجه شود که؛ با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منحل نیست - با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي منحل است.

【ضمانت】

عقد ضمان بر دو قسم است:

ضمان نقلی: با انعقاد عقد ضمان نقلی، ذمه مضمون عنه (مدیون)، بری و ذمه ضامن (ثالث) در برابر مضمون له (دائن / طلبکار) مشغول می شود. در این نوع ضمان، انتقال دین (به معنای عام کلمه) رخ می دهد.

ضمان ضمی: با انعقاد عقد ضمان ضمی، ذمه مضمون عنه (مدیون)، بری نمی شود و ضامن (ثالث) در برابر مضمون له (دائن / طلبکار) به عنوان یک وثیقه و پشتوانه (وثیقه شخصی)، متعهد و ملتزم می شود. در این نوع ضمان، انتقال دین، رخ نمی دهد.

◀ سؤال: بر اساس قانون مدنی و قانون تجارت، ضمان را بایستی «نقلی» بدانیم یا «ضمی»؟

پاسخ: بنابر مدلول ماده ۶۹۸ ق.م. «ضمان مطلق، محمول است بر ضمان نقلی». ضمان «نقلی»؛ یعنی بعد از این که ضمان، به طور صحیح واقع شد، ذمه مضمون عنه (مدیون)، بری و ذمه ضامن (ثالث) در برابر مضمون له (دائن / طلبکار) مشغول می شود؛ اما بر اساس قانون تجارت و برداشت از مواد این قانون اصل بر ضمان تضامنی اقوی به نظر می رسد.

◀ سؤال: طرفین عقد ضمان چه کسانی هستند؟

پاسخ: عقد ضمان، میان ضامن (ثالث) و مضمون له (دائن / طلبکار) منعقد می شود؛ پس، اراده مضمون عنه (مدیون)، در «انعقاد ضمان» بی تأثیر است.

◀ سؤال: آیا طرفین عقد ضمان می توانند توافق کنند که ذمه ضامن، تنها وثیقه طلب مضمون له باشد (نه انتقال دین) و یا

آن که مسئولیت ضامن و مضمون عنه، تضامنی باشد؟

پاسخ: بله؛ چنین ضمانتی صحیح بوده، از این رو که ذمه (عهده) ضامن به ذمه مضمون عنه «ضمیمه» می شود، ضمان «ضمی» نام دارد.

* ضمان ضمی بر دو قسم است:

ضمان وثیقه ای: ضمانت «ضمی» از مدیون، اگر به صورت «طولی» (سلسله مراتبی) باشد، ضمان وثیقه ای نام دارد؛ یعنی مضمون عنه، بری نمی شود، بلکه مضمون له ابتدا باید به مضمون عنه مراجعه کند و اگر طلب وی وصول نشد، آنگاه می تواند به ضامن وثیقه ای رجوع نماید.

ضمان تضامنی: ضمانت «ضمی» از مدیون اگر به صورت «عرضی» باشد، ضمان تضامنی نام دارد. در این نوع از ضمانت نیز (مانند ضمان وثیقه ای) مضمون عنه، بری نمی شود بلکه مضمون له همزمان می تواند هم به ضامن تضامنی رجوع کند و هم به مضمون عنه وی؛ به هر میزان و به هر ترتیب که مایل باشد. (دقت شود: در ضمان ضمی، اصل بر ضمان «تضامنی» است؛ یعنی هرگاه از ضمان ضمی به طور مطلق یاد شده، اما وثیقه ای یا تضامنی بودن آن مشخص نشود، اصل را بر تضامنی بودن ضمان می گذاریم).

♡ ماده ۴۰۲ قانون تجارت: «ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد».

♡ ماده ۴۰۳ قانون تجارت: «در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت، تضامنی باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید».

◀ سؤال: «شبهات» ضمان وثیقه‌ای و تضامنی چیست؟

پاسخ: هر دو از اقسام ضمان ضمی هستند؛ یعنی در هر دو ضمان تضامنی و وثیقه‌ای، ضامن متعهد به پرداخت دین دیگری است؛ اما دین انتقال نمی‌یابد و مضمون‌عنه نیز همچنان مدیون می‌ماند.

◀ سؤال: «تفاوت» ضمان وثیقه‌ای و تضامنی چیست؟

پاسخ: در ضمان وثیقه‌ای، تعهد ضامن، در طول تعهد مضمون‌عنه است؛ اما در ضمان تضامنی، تعهد ضامن در عرض تعهد مضمون‌عنه می‌باشد.

♡ ماده ۴۱۰ قانون تجارت: استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه - اگر دین با وثیقه بوده - ضامن را فوراً و به خودی خود برئ خواهد ساخت.

♡ ماده ۴۱۱ قانون تجارت: پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید - اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون‌عنه مکلف به انجام تشریقاتی است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

حقوق تجارت دو (شرکت‌ها)

[کلیات شرکت‌ها]

انواع شرکت‌های تجاری

۱. شرکت سهامی
۲. شرکت با مسئولیت محدود
۳. شرکت تضامنی
۴. شرکت مختلط غیر سهامی
۵. شرکت مختلط سهامی
۶. شرکت نسبی
۷. شرکت تعاونی تولید و مصرف

چند مورد از تفاوت شرکت تجاری با شرکت مدنی (اشاعه)	
۱	شرکت تجاری به صورت اختیاری تشکیل می‌شوند. به عنوان مثال: دو نفر با هم به این نتیجه می‌رسند که یک شرکت تجاری تأسیس نمایند در حالی که شرکت مدنی امکان دارد به صورت قهری به وجود آید. به طور مثال: یک نفر فوت می‌کند و ماترک او به وراثت می‌رسد و تمام وراثت قهراً در آن ماترک با هم شریک می‌شوند.
۲	در شرکت تجاری سرمایه متعلق به شخصیت حقوقی می‌شود ولی در شرکت مدنی همچنان شرکا مالک آورده‌ها هستند. (شرکت‌های تجاری برخلاف شرکت‌های مدنی دارای شخصیت حقوقی هستند.)
۳	اداره شرکت‌های تجاری معمولاً با اکثریت آرا صورت می‌گیرد؛ یعنی در هر شرکتی یک هیئت مدیره وجود دارد و تصمیمات شرکت توسط هیأت مدیره اتخاذ می‌گردد در حالی که در شرکت مدنی اتفاق آرای شرکا لازم هست دقت شود: مطابق ماده ۵۷۷ ق.م. در بحث شرکت مدنی یک شریک یا یک شخص وجود دارد که می‌شود به آن اذن داد که از طرف دیگر شرکا عمل کند و تصمیم بگیرد ولی اصل اولیه در بحث شرکت مدنی بدین صورت است که اتفاق نظر همه شرکا لازم است.

اقامتگاه شخص حقوقی	
ماده ۵۹۰ قانون تجارت	ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی
اقامتگاه شخص حقوقی مرکز اداره‌ی آن است.	اقامتگاه شخص حقوقی مرکز عملیات شخص حقوقی است.

تابعیت شخص حقوقی	
ماده ۵۹۱ قانون تجارت	ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها
اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است.	شرکتی دارای تابعیت ایرانی است که دو شرط داشته باشد: ۱. مرکز مهم امور آن در ایران باشد. ۲. محل ثبت شرکت هم در ایران باشد.
نتیجه گیری:	
۱. اگر شرکتی هم در ایران ثبت شده باشد و هم مرکز مهم امور آن در ایران باشد ← این شرکت حتماً ایرانی است. ۲. اگر یک شرکت در ایران تأسیس شود ولی مرکز مهم امور آن در خارج باشد ← این شرکت خارجی قلمداد خواهد شد. ۳. اگر شرکتی در خارج تشکیل شود ولی مرکز اصلی آن در ایران باشد ← در اینجا طبق قانون تجارت این شرکت ایرانی قلمداد می‌گردد.	

**تغییر تابعیت
شرکت‌های
تجاری**

- شرکت‌های سهامی ← هیچ مجمعی نمی‌تواند. (ماده ۹۴ لایحه)
- شرکت با مسئولیت محدود ← با اتفاق آرا امکان‌پذیر است. (ماده ۱۱۰ ق.ت)
- سایر شرکت‌ها ← قانون ساکت است. (نظر اقوی: با اتفاق آرا امکان‌پذیر است).

تأثیر فوت یا حجر شریک در شرکت‌های تجاری	
در شرکت‌های سهامی	تأثیری ندارد.
در شرکت تضامنی و نسبی	سبب انحلال شرکت می‌شود.
در شرکت با مسئولیت	فوت ← سبب انحلال شرکت نمی‌شود مگر در صورت تصریح در اساسنامه.
	حجر ← سبب انحلال شرکت نمی‌شود حتی در صورت تصریح در اساسنامه.
در شرکت مختلط غیر سهامی	فوت و حجر شریک ضامن سبب انحلال می‌شود.
در شرکت مختلط غیر سهامی	فوت و حجر شریک ضامن سبب انحلال نمی‌شود مگر در صورت تصریح در اساسنامه.

زمان تشکیل شرکت‌های تجاری	
شرکت با مسئولیت شرکت تضامنی و نسبی شرکت مختلط غیر سهامی شرکت مختلط سهامی شرکت تضامنی و نسبی	تأدیه تمام سرمایه نقدی + تقویم تسلیم تمام سهم الشرکه غیر نقدی
شرکت‌های سهامی	سهامی عام ← تشکیل مجمع عمومی مؤسس + مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند.
	سهامی خاص ← امضاء اساسنامه توسط کلیه سهامداران + مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند.

زمان ایجاد شخصیت حقوقی برای اشخاص حقوقی	
در شرکت های تجاری	قانون ← ساکت. دکتر اسکینی ← مقارن تشکیل. دکتر پاسبان ← مقارن ثبت.
اشخاص حقوقی حقوق عمومی	به محض ایجاد (بدون نیاز به ثبت).
مؤسسات غیر تجاری (انتفاعی/غیرانتفاعی)	مقارن ثبت (از تاریخ ثبت)

زمان پایان شخصیت حقوقی برای شرکت های تجاری	
در شرکت های سهامی	بعد از خاتمه امر تصفیه؛ یعنی تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد. (ماده ۲۰۸ لایحه)
در سایر شرکت ها	بعد از خاتمه امر تصفیه (وحدت ملاک از ماده ۲۰۸ لایحه).

حداقل تعداد شرکای لازم جهت تشکیل شرکت	
شرکت های تعاونی	۷ شریک
شرکت های سهامی عام	۵ شریک
شرکت های مختلط سهامی	۴ شریک (۳ شریک سهامی و ۱ شریک تضامنی)
شرکت های سهامی خاص	۳ شریک
سایر شرکت ها	۲ شریک

[شرکت های سهامی]

شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

شرکت سهامی دو نوع است:

۱. شرکت سهامی عام
۲. شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی عام:

طریقه تشکیل شرکت:

مؤسسين^۳ باید ابتدا به بانک مراجعه و یک حساب بانکی برای شرکتی که در شرف تأسیس است افتتاح کنند. ← مؤسسين الزاماً باید ۲۰ درصد سرمایه شرکت را تعهد کنند از این میزان (۲۰ درصد) ۳۵ درصد آن را به حساب مذکور واریز نمایند. (آورده مؤسسين می تواند نقدی یا غیر نقدی باشد، اگر آورده مؤسسين غیر نقد باشد باید اسناد آن در بانک تودیع شود). ← مؤسسين شرکت باید اظهارنامه ای (مطابق ماده ۷ لایحه اصلاحی ق. ت) به همراه طرح اساسنامه شرکت (مطابق ماده ۸ لایحه اصلاحی ق. ت) و پیش نویس طرح اعلامیه پذیره نویسی (مطابق ماده ۹ لایحه اصلاحی ق. ت) که به امضای مؤسسين رسیده باشد را به اداره ثبت شرکت ها تقدیم کنند. (مواد ۹۸، ۷ لایحه اصلاح ق. ت مطالعه گردد). ← مرجع ثبت شرکت ها پس از بررسی مدارک و تکمیل بودن آن ها اجازه صدور ابلاغیه پذیره نویسی را صادر می کند. این مرجع تکلیفی در مورد صحت و درستی مطالب ارائه شده توسط مؤسسين ندارد. (وظیفه مرجع ثبت شرکت ها نظارت بر رعایت آن ضوابط ظاهری هست که در مواد ۷ و ۸ و ۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ بیان شده است). ← طبق ماده ۱۱ لایحه اصلاحی ق. ت. اعلامیه پذیره نویسی باید توسط مؤسسين در روزنامه آگهی شود و همچنین در بانکی که قرار است پذیره نویسی در آنجا صورت پذیرد در معرض دید علاقه مندان قرار گیرد.

♡ در خصوص پذیره نویسی توجه نمایید که:

۱. «پذیره نویسی» یک عمل حقوقی است که شخص قسمتی از سرمایه یک شرکت سهامی در شرف تأسیس را تعهد می کند و بخشی از مبلغ تعهد شده را که نباید کمتر از ۳۵ درصد باشد به حساب شرکت واریز می کند.
۲. پذیره نویسان در آینده به همراه مؤسسين سهام داران شرکت می شوند.
۳. پذیره نویس می تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
۴. پذیره نویسی به معنی قبول ایجاب مؤسسين است و پس از انجام پذیره نویسی رجوع از آن امکان پذیر نیست.

در خصوص مرحله بعد از پذیره نویسی دقت داشته باشید که: مؤسسين شرکت باید ظرف مدت یک ماه از پایان عمل پذیره نویسی بررسی نمایند که آیا کلیه سرمایه شرکت تعهد و پرداخت شده است یا خیر، همچنین مؤسسين وظیفه دارند قبل از دعوت و تشکیل مجمع عمومی مؤسس تعداد سهامی که به هریک از پذیره نویسان تعلق می گیرد را مشخص کنند. تعیین تعداد سهام در صورت جلسه ای نوشته شده و به امضای مؤسسين می رسد. این گزارش باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس آماده و در محلی که جلسه مجمع در آنجا برگزار خواهد شد جهت مراجعه پذیره نویسان قرار گیرد.

۳. اشخاصی که در ابتدا اقدام به تأسیس شرکت می کنند مؤسسين نامیده می شوند، مؤسسين می توانند اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند. اصطلاح مؤسسين قبل از ثبت شرکت بکار برده می شود و بعد از این مرحله این افراد مانند سایر پذیره نویسان، سهام دار خوانده می شوند. مؤسسين شرکت باید مقررات قانونی را در تشکیل شرکت رعایت کنند در غیر این صورت طبق ماده ۲۳ لایحه اصلاحی ق. ت. مسئولیت تضامنی دارند.

در خصوص **ورقه تعهد** سهم توجه نمایید که:

۱. پذیره نویسی با امضای نوشته‌ای صورت می‌پذیرد که به آن «ورقه تعهد سهم» گفته می‌شود.
۲. طبق ماده ۱۴ لایحه اصلاحی ق.ت؛ ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم می‌گردد و توسط پذیره نویس یا قائم مقام قانونی او امضا می‌شود نسخه اول نزد بانک نگهداری می‌شود و نسخه دوم با اخذ رسید به پذیره نویس داده می‌شود.
۳. امضای ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.

آورده های مؤسسين و پذيره نويسان:

آورده های مؤسسين و پذيره نويسان می تواند نقدی و غير نقدی باشد در خصوص آورده نقدی همانطور که گفته شد، الزاما بايد ۳۵ درصد آن به صورت نقد پرداخت گردد (در مورد مؤسسين ۳۵ درصد از ۲۰ درصدی که تعهد نموده‌اند) و برای مابقی تعهد به پرداخت داده شود. حال سوال اینست که مبلغ باقیمانده ظرف چه مدتی باید پرداخت گردد؟ در پاسخ باید گفت که؛ اساس نامه شرکت تعیین می‌کند اما در هر حال این مدت نمی‌تواند بیشتر از ۵ سال باشد.

در خصوص آورده غير نقد دقت نماييد که؛

- در هنگام تشکیل شرکت تمام آورده های غير نقدی باید تسلیم شود، در این مورد تعهد به تسلیم وجود ندارد.
- در خصوص تقویم آورده های غير نقدی در شرکت های سهامی جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری الزامی است.

مجمع عمومی مؤسس: ۴

۱. در بحث شرکت های سهامی سه مجمع بررسی خواهد شد که اولین آن «مجمع عمومی مؤسس» است.
۲. مجمع عمومی مؤسس فقط یک بار در ابتدای شروع کار شرکت تشکیل می‌شود اما مجامع دیگر در طول حیات شرکت بارها تشکیل می‌شوند.
۳. دعوت به حضور در مجمع عمومی مؤسس از طریق روزنامه کثیرالانتشاری صورت می‌گیرد که مؤسسين در هنگام ثبت اولیه شرکت آن را تعیین نموده‌اند.

وظايف مجمع عمومی مؤسس:

- ۱- رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم.
- ۲- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.
- ۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت.
- ۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.
- ۵- تصویب آورده های غير نقدی: این مجمع تصمیم می‌گیرد که آیا آورده های غير نقدی را می‌پذیرد یا خير و در صورت پذیرش آن‌ها را با چه قیمتی می‌پذیرد. قیمتی را که در مجمع عمومی مؤسس روی آورده غير نقدی تعیین می‌گردد نباید بالاتر از قیمتی باشد که کارشناس رسمی دادگستری آن آورده را ارزیابی نموده است. اگر این آورده تصویب نشود به شخصی که آورده غير نقدی را آورده اطلاع داده می‌شود که تعهد خود را تبدیل به نقد کند و اگر آن شخص این کار را انجام ندهد سهم آن شخص باطل خواهد شد و دیگران می‌توانند سهام آنها را تعهد نمایند.
- ۶- تصویب مزایای خاص: یعنی اگر مؤسسان یک مزایایی خاصی برای خود یا دیگران در نظر گرفته اند، مجمع عمومی مؤسس باید این مزایا را تصویب نماید. (سهام ممتاز)

۴. اولین اجتماع کلیه سهام داران یک شرکت اعم از مؤسسين و پذيره نويسان تشکیل می‌گردد که این اجتماع «مجمع عمومی مؤسس» نامیده می‌شود.

حد نصاب رسمیت مجمع عمومی مؤسس:

در جلسه اول باید تعدادی از پذیره نویسان که حداقل نصف یعنی یک دوم سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند در جلسه حاضر باشند، اگر بعد از دعوت این تعداد سهام داران حاضر نشدند تا دو مرحله دیگر دعوت می شوند. برای رسمیت یافتن جلسه در بار دوم و سوم حضور حداقل یک سوم صاحبان سهام شرکت ضروری است. اگر در نوبت سوم هم حد نصاب حاصل نگردد مؤسسين موظفند عدم تشکیل شرکت را اعلام نمایند.

اداره مجمع عمومی مؤسس:

همانند سایر مجامع توسط یک هیأت رئیسه اداره می شود ← هیأت رئیسه دارای یک رئیس، یک منشی و دو ناظر می باشد. رئیس و ناظرها حتما باید جزو صاحبان سهام باشند ولی منشی می تواند شخصی خارج از سهام داران باشد ← اشخاص مذکور توسط حاضرین در مجمع انتخاب می شوند.

تصمیم گیری در مجمع عمومی مؤسس:

در مجمع عمومی مؤسس هر سهم دارای یک رأی بوده و تصمیمات مجمع عمومی مؤسس همواره با دو سوم آرای حاضرین معتبر است.

دقت شود که: پس از تشکیل مجمع عمومی مؤسس و انجام وظایفی که بر عهده این مجمع است شرکت رسماً تشکیل شده و شخصیت حقوقی پیدا می کند و بعد از تشکیل شرکت باید شرکت را به ثبت رساند به عبارت دیگر مدیران شرکت که در این مرحله توسط مجمع عمومی مؤسس انتخاب شده اند وظیفه دارند که شرکت را ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه اولیه به ثبت شرکت ها به ثبت برسانند.

حال سوال اینست که ضمانت اجرای عدم ثبت شرکت چیست؟

در پاسخ باید گفت که تا زمانی که شرکت به ثبت نرسیده باشد از انجام اعمال حقوقی زیر محروم است: (مواد ۱۹ + ۲۲ + ۲۸ + ۵۵ لایحه اصلاحی ق.ت. مطالعه گردد)

۱. تا شرکت ثبت نشود، شرکت حق صدور ورقه سهم و گواهینامه موقت سهم را ندارد.

۲. شرکت حق انتشار اوراق قرضه را ندارد.

۳. شرکت حق بهره برداری از پول های واریزی نزد بانک را نخواهد داشت.

توجه شود: اگر ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه گذشت و شرکت به ثبت نرسید هر یک از مؤسسين یا پذیره نویسان می توانند به مرجع ثبت شرکت ها مراجعه و گواهی مبنی بر عدم ثبت شرکت دریافت دارند و سپس این گواهی را به بانکی که وجوه نزد او واریز شده است بدهند. در این مرحله بانک موظف است به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیره نویسان پولی که آنها در آن بانک تودیع کرده اند را به آنها مسترد نماید.

♡ حداقل سرمایه شرکت سهامی عام :

حداقل سرمایه اولیه باید پنج میلیون ریال باشد.

شرکت سهامی خاص:

شرکت سهامی خاص شرکتی است که، تمام سرمایه آن منحصراً به وسیله مؤسسين تأمین می شود.

تفاوت های شرکت سهامی خاص با شرکت سهامی عام:

۱. در شرکت سهامی خاص برخلاف شرکت سهامی عام عرضه سهام به عموم وجود ندارد؛ در نتیجه بحث پذیره نویسی و موارد مربوط به این بحث در شرکت سهامی خاص وجود ندارد؛ بنابراین در شرکت سهامی خاص از آنجا که عرضه سهام به عموم وجود ندارد، مؤسسين باید کل سرمایه شرکت را تعهد نمایند و ۳۵ درصد آن را نقداً بپردازند. (در خصوص اینکه باقی مبلغ طی چه مدتی باید پرداخت شود باید بدانید که اساس نامه شرکت تعیین کننده این امر می باشد ولی این مدت نمی تواند بیشتر از پنج سال باشد).
۲. در شرکت سهامی خاص برخلاف شرکت سهامی عام تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست.
۳. در شرکت سهامی خاص حداقل سرمایه شرکت صد هزار تومان است ولی در شرکت سهامی عام حداقل سرمایه باید پنج میلیون ریال باشد.
۴. در شرکت سهامی خاص تعداد سهامداران باید حداقل ۳ نفر باشند ولی در شرکت سهامی عام حداقل تعداد سهامداران ۵ نفر است.
۵. در شرکت سهامی عام «مبلغ اسمی» هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد در حالی که در شرکت سهامی خاص از این جهت محدودیتی وجود ندارد و هر رقمی را می توان به عنوان مبلغ اسمی سهام خود قرار داد.
۶. «شرکت های سهامی عام» شرکتی هستند که سرمایه آن ها را و یا قسمتی از آن را از طریق عرضه به عموم مردم تأمین می کنند در حالی که در «شرکت سهامی خاص» خود مؤسسان یک قسمت از سرمایه شرکت را پرداخت می کنند و می توانند قسمتی از آن را تعهد بدهند و بعد از تأسیس، اشخاصی که وارد شرکت می شوند به عنوان سهام دار، سرمایه این شرکت را تأمین کنند. **(دقت شود: در موضوع شرکت سهامی خاص ما چیزی تحت عنوان عرضه به عموم نداریم).**
۷. سهام شرکت های سهامی عام قابل عرضه در بورس اوراق بهادار می باشد ولی شرکت های سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.
۸. نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکت های سهامی عام از سه درصد (۳٪) سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند ولی در شرکت های سهامی خاص به هیچ وجه نباید از شش درصد (۶٪) سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند.
۹. برخلاف شرکت های سهامی خاص که هر شخصی می تواند به عنوان بازرس منصوب شود، در شرکت های سهامی عام، طبق بند «ب» از ماده ۲ آیین نامه اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی، بازرس باید از میان مؤسسات حسابرسی که عضو جامعه حسابداران رسمی ایران هستند، انتخاب گردد.

مطابق ماده ۱ لایحه اصلاحی ق.ت؛ شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

تفاوت (ارزش سهام)	
مبلغ واقعی سهام	مبلغ اسمی سهام
مبلغی هست که سهام با آن مبلغ مورد خرید و فروش و داد و ستد قرار داده می شود و ارزش واقعی یک سهم است.	مبلغی که روی برگه سهام آمده است.

◀ **سؤال:** اگر شخص «الف» به عنوان سهام دار یک شرکت ده تا سهم ۱۰ هزار تومانی داشته باشد در حالی که ارزش واقعی هر کدام از این سهام ها یک میلیون تومان باشد، در عین حال اگر شرکت ورشکسته شود مسئولیت «الف» در مقابل طلبکاران شرکت به چه میزان است؟

پاسخ: به اندازه ۱۰ هزار تومان است؛ چرا که مسئولیت وی مطابق ماده ۱ لایحه اصلاحی ق.ت. محدود به مبلغ اسمی سهام است.

سهام:

سهام عبارت است از قطعات مساوی سرمایه در شرکت های سهامی که مشخص کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن سهم در آن شرکت سهامی می باشد.

شرط صدور ورقه ی سهم

۱. شرکت باید تشکیل شده باشد.
۲. شرکت باید به ثبت رسیده شده باشد.
۳. تمام مبلغ اسمی سهام پرداخت شده باشد.

دقت شود: اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای حداقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می شوند، برسد. (ماده ۲۵ لایحه اصلاحی ق.ت.)

نکاتی که باید در ورقه ی سهم قید شود: (ماده ۲۶ لایحه اصلاحی ق.ت.)	
۱	نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها.
۲	مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.
۳	تعیین نوع سهم.
۴	مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده ی آن به شکل حروف و عدد.
۵	تعداد سهامی که هر ورقه نماینده ی آن است.

گواهینامه تعهد سهم :

تازمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. شرکت ها موظفند حد اکثر ظرف یک سال از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم، ورقه سهم صادر نمایند و پس از تسلیم این ورقه، گواهینامه موقت سهم را از صاحبان آنها گرفته و ابطال نمایند.

دقت داشته باشید که: گواهی نامه موقت سهم از نظر شرایط شکلی حتما باید شرایط شکلی خود سهم که در مبحث قبلی ذکر شد را داشته باشد.

همانطور که در ضمانت اجرای عدم ثبت شرکت بیان شد؛ تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود. (ماده ۲۸ لایحه اصلاحی ق.ت.)

انتقال سهام :

در شرکت سهامی خاص	در شرکت سهامی عام
انتقال سهام می تواند منوط به موافقت هیأت مدیره یا مجامع عمومی شود؛ در نتیجه در این شرکت می توان این آزادی را محدود کرد.	نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام شود؛ در نتیجه نقل و انتقال آزادانه ی سهام در شرکت های سهامی عام پذیرفته شده است و مدیران و مجامع عمومی حق محدود کردن این آزادی را ندارند.

دسته بندی های سهام :

۱	سهام بانام	سهمی است که یا روی ورقه سهم یا در دفتر سهام شرکت، نام دارنده ی آن قید می شود، طبق تعریف مذکور نیاز نیست حتماً نام دارنده ی سهم روی آن قید شود؛ بلکه ممکن است نام دارنده در دفتر سهام شرکت نوشته شود. دقت شود: انتقال سهام بانام حتماً باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده ی قانونی آن شخص باید این انتقال را در دفتر ثبت سهام شرکت امضا کنند تا زمانی که این فرایند رعایت نشده باشد انتقال سهام از نظر شرکت سهامی فاقد اعتبار می باشد. (توضیحات بیشتر طریقه انتقال سهام بانام در جدول بعدی ...)
	سهام بی نام	سهمی است که مشخصات دارنده ی آن روی ورقه سهم یا در دفتر سهام شرکت، ذکر نشده است. دقت شود: در خصوص انتقال سهام بی نام از آنجا که سهم بی نام یک سند در وجه حامل می باشد؛ یعنی در دست هر کسی باشد اون مالک سهم قلمداد می شود؛ در نتیجه انتقال سهام بی نام صرفاً با قبض و اقباض صورت می گیرد، به عبارت ساده تر هر شخصی که این سهام را دارد مالک آن تلقی خواهد شد.
۲	سهام عادی	سهامی است که شرکت ها عرضه می کنند و سهامداران به نسبت سهام خود، مالک شرکت می شوند. دقت شود: دارندگان سهام عادی، مالکان اصلی شرکت هستند و از حقوق و مزایای زیر برخوردارند: ۱- حق دریافت سود سهام؛ ۲- حق رأی دادن در مجامع عمومی عادی و مجمع فوق العاده؛ ۳- حق تقدم در خرید سهام جدید؛ ۴- حق باقی مانده دارایی پس از انحلال شرکت؛ ۵- حق اطلاع از فعالیت های شرکت.
	سهام ممتاز	سهامی است که نسبت به سهام عادی دارای امتیازات بیشتری هست. برای مثال تخصیص سود سالانه بیشتر. دقت شود: برای اعطای سهام ممتاز یا باید دادن سهام ممتاز در اساس نامه پیش بینی شده باشد یا طبق تصویب مجمع فوق العاده باشد. در جلسه مجمع که تشکیل می شود امتیازات و نحوه ی استفاده از این سهام باید به وضوح مشخص شود.

فرایند نقل و انتقال سهام بانام	در صورت پرداخت تمام مبلغ اسمی هر سهم	ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت
		امضای انتقال دهنده یا وکیل
	در صورت عدم پرداخت تمام مبلغ اسمی هر سهم	ثبت در دفتر ثبت سهام
		امضای انتقال دهنده یا وکیل
		امضای انتقال گیرنده و نشانی او
عدم رعایت تشریفات انتقال سهام بانام	۱. این انتقال از نظر شرکت و اشخاص ثالث معتبر نیست؛ یعنی انتقالی واقع نشده است و انتقال دهنده هنوز سهام دار است. ۲. این انتقال بین طرفین معتبر است. در نتیجه؛ انتقال دهنده همچنان در برابر شرکت مسؤل پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی سهم است. – طلبکاران انتقال دهنده می توانند سهام وی را توقیف کنند. – انتقال گیرنده می تواند الزام انتقال دهنده را به رعایت تشریفات انتقال بخواهد.	
مطالبه باقی مانده مبلغ اسمی سهم	۱. مطالبه توسط مدیران شرکت صورت می پذیرد که مهلت آن: ظرف مدت مقرر در اساسنامه که به موجب ماده ۸ لایحه اصلاحی ق.ت: حداکثر ۵ سال است. ۲. در صورت عدم مطالبه بدهی توسط مدیران: هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند تشکیل دهد. ۳. در صورت عدم دعوت مجمع عمومی فوق العاده توسط هیأت مدیره: هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند. ۴. دارنده سهم مسؤل پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی به شرکت است در صورت انتقال، انتقال گیرنده مسؤلیت پرداخت مشروط بر آنکه انتقال قانونی باشد.	
ضمانت اجرای عدم پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی سهم	۱. سلب حقوق مشارکت (حق رای / حق حضور او از نصاب ها کسر می شود) ۲. تعلیق حقوق مالی (حق تقدم در خرید سهام جدید / دریافت اندوخته اختیاری / دریافت سود قابل تقسیم)	
در صورت پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی سهم	۱. حقوق مشارکت به او اعاده می شود. ۲. حقوق مالی به او داده می شود مشروط بر اینکه مشمول مرور زمان نشده باشد.	

اوراق قرضه:

ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. (ماده ۵۲ لایحه اصلاحی ق.ت.)

دقت شود: طبق تعریفی که بیان شد، برای ورقه قرضه یک سود ثابت تعیین می گردد و به همین دلیل شورای نگهبان این موضوع را مصداق ربا تشخیص داد و اوراق قرضه را غیر شرعی اعلام نمود. به همین دلیل «اوراق مشارکت» جایگزین اوراق قرضه گردید.

لذا در اوراق مشارکت، سود به صورت علی الحساب پیش بینی می شود.

توجه: به دلیل ربوی بودن مواد مرتبط به اوراق قرضه و فاقد اهمیت آزمونی، از بررسی مبحث مذکور خودداری می شود.

مجمع عمومی عادی (مجمع عمومی سالیانه):

این مجمع باید سالی یک بار تشکیل شود.

◀ سؤال: آیا مجمع عمومی عادی در صورت نیاز می‌تواند بیشتر از یک بار هم در سال تشکیل شود؛ یعنی این مجمع می‌تواند خارج از آن موعد مقرری که در اساسنامه پیش بینی شده است تشکیل گردد؟

پاسخ: بله!

اگر این مجمع خارج از آن موعد مقرری که در اساسنامه پیش بینی شده است تشکیل گردد به آن به آن «مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده» گفته می‌شود.

وظایف و اختیارات مجمع عمومی:

۱. رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود.

دقت شود که: بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

۲ - تصمیم به تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام و تعیین میزان سود قابل تقسیم

دقت شود که: تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ۱۰ درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

۳ - انتخاب مدیران و بازرسان بعدی (انتخاب اولین مدیران و بازرسان به عهده ی مجمع عمومی مؤسس است)

۴ - عزل مدیران و بازرسان

۵ - تصمیم گیری نسبت به کلیه امور شرکت بجز مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس یا فوق العاده است.

حد نصاب رسمیت مجمع عمومی:

حضور دارندگان لااقل بیش از نصف سهام که حق رای دارند ضروری است. اگر برای دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد برای دفعه دوم با حضور هر عده‌ای از صاحبان سهام که حق رای دارند جلسه رسمیت پیدا می‌کند به شرط اینکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

تصمیم‌گیری در مجمع عمومی:

اصل: تصمیمات مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

استثنا: ۱. در انتخاب مدیران و بازرسان که **اکثریت نسبی** ملاک است. ۲. اگر رئیس هیأت مدیره بخواهد همزمان مدیرعامل همان شرکت شود (انتخاب رئیس هیأت مدیره به عنوان مدیرعامل)؛ اکثریت **سه چهارم** آرای حاضرین لازم است.

مجمع عمومی فوق العاده :

دقت شود که: در دعوای بطلان مصوبات مجمع عمومی شرکت سهامی به دلیل رعایت نشدن مقررات قانونی، شرکت به عنوان شخص حقوقی باید خوانده قرار گیرد.

مجمع عمومی فوق العاده	
وظایف	هر گونه تغییر در مواد اساسنامه و در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. دقت شود: در هر موردی که اساس نامه شرکت تغییر می کند باید یک نسخه از صورت جلسه برای مرجع ثبت شرکت ها ارسال گردد.
حد نصاب رسمیت مجمع	جلسه اول: حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند. جلسه دوم: حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند. دقت شود که: اگر در بار دوم هم این تعداد حاضر نشوند تشریفات دعوت باید از ابتدا صورت گیرد.
تصمیم گیری	همواره با اکثریت دو سوم آرای حاضر در مجمع مگر؛ در مورد افزایش تعهدات صاحبان سهام که مستلزم اتفاق آرای سهام داران است.

طریقه دعوت سهامداران برای شرکت در جلسات مجمع عمومی:

دعوت از سهام داران برای شرکت در مجمع عمومی بر عهده مدیران است؛ اگر مدیران به وظیفه خود عمل نکنند صاحبان یک پنجم سهام می توانند از مدیران تقاضا کنند که صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع دعوت نمایند و مدیران موظف هستند ظرف مدت بیست روز این دعوت را اجابت کنند اگر مدت ۲۰ روز منقضی شد و این درخواست انجام نشد مجدداً صاحبان یک پنجم سهام می توانند از بازرسان این درخواست را داشته باشند. بازرسان باید ظرف ۱۰ روز این درخواست را اجابت کنند و اگر بازرسان هم از این مورد سر باز زنند و به وظیفه خود عمل نکنند، خود صاحبان سهام می توانند رأساً سهامداران را برای شرکت در مجمع عمومی دعوت کنند.

دقت شود همانطور که قبلاً بیان شد: مجمع توسط یک هیأت رئیسه اداره می شود. ← هیأت رئیسه دارای یک رئیس، یک منشی و دو ناظر می باشد. رئیس و ناظرها حتماً باید جزو صاحبان سهام باشند ولی منشی می تواند شخصی خارج از سهامداران باشد (**توجه نمایند:** زمانی که مجمع عمومی عادی به دعوت صاحبان یک پنجم سهام تشکیل شده باشد منشی نیز باید سهام دار باشد) ← اشخاص مذکور توسط حاضرین در مجمع انتخاب می شوند. هیأت مدیره : رکن اداره کننده شرکت (مدیران)

هیأت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای خود یک رئیس و نایب رئیس انتخاب می کند. ← رئیس و نایب رئیس می توانند شخصیت حقوقی باشند ولی باید نماینده حقیقی برای شرکت در جلسات هیأت مدیره معرفی نمایند. ← همچنین هیأت مدیره باید حداقل یک نفر را به مدیریت عاملی شرکت انتخاب کند این یک نفر الزاماً باید شخص حقیقی باشد. ← مدیر عامل، نماینده شرکت در برابر اشخاص ثالث است.

شرکت سهامی عام	شرکت سهامی خاص
تعداد هیأت مدیره در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر می باشد.	تعداد هیأت مدیره در شرکت سهامی خاص حداقل باید ۳ نفر باشد.

وظایف رئیس هیأت مدیره

۱. دعوت از هیأت مدیره
 ۲. اداره جلسات هیأت مدیره
 ۳. دعوت از مجامع عمومی در زمانی که این دعوت به عهده هیأت مدیره شرکت است.
 ۴. ریاست و اداره مجامع عمومی
- دقت شود که:** هر زمانی رئیس هیأت مدیره نباشد وظایفش بر عهده نایب رئیس است.

شرایط عضویت در هیأت مدیره :

۱. اهلیت
 ۲. سهام دار بودن؛
در این خصوص توجه نمایید که: اگر کسی بخواهد مدیر یک شرکت سهامی بشود باید تعداد سهامی که در اساس نامه برای مدیران مشخص شده است را دارا باشد. مدیران باید این تعداد سهم را هم هنگام انتخاب شدن داشته باشند و هم تا زمانی که مدیر شرکت هستند.
- سوال:** اگر مدیر انتخاب شده تعداد سهام لازم را نداشته باشد تکلیف چیست؟
- پاسخ:** مؤظف است ظرف مدت یک ماه تعداد مد نظر را خریداری کند در غیر اینصورت این شخص به عنوان مدیر مستعفی قلمداد می شود.

۳. فاقد محرومیت ها و ممنوعیت های مقرر در قانون؛

در این خصوص توجه نمایید که: مطابق ماده ۱۱۱ لایحه اصلاحی ق.ت. اشخاص زیر نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند؛

- محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آن ها صادر شده است.
- کسانی که به علت ارتکاب جنایت با یکی از جنحه های؛ سرقت / خیانت در امانت / کلاهبرداری / جنحه هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است / اختلاس، تدلیس و تصرف غیر قانونی در اموال عمومی، به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند، دقت شود که این اشخاص در مدت محرومیت از حقوق اجتماعی نمی توانند به عضویت در هیأت مدیره انتخاب شوند.

توجه نمایید که: دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد موارد فوق انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد موارد فوق گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

حق الزحمه مدیران:

مدیر غیر موظف	تعریف: مدیری است که جز رابطه مدیریت ارتباط دیگری با شرکت ندارد. حق جلسه: این مدیران نمی توانند از شرکت حقوق دریافت کنند لذا مجمع عمومی عادی مبلغی را به عنوان حق جلسه (نه حقوق) به آنها تخصیص می دهد. مبلغی که به مدیران به عنوان «حق جلسه» پرداخته می شود جزو هزینه های بهره برداری یک شرکت محسوب می گردد. علاوه بر آن می توان برای مدیران غیر موظف نسبت معینی از سود خالص سالانه را به عنوان پاداش در نظر گرفت، البته این کار فقط در صورتی مجاز است که اساسنامه شرکت این اجازه را داده باشد مجمع عمومی عادی شرکت تصویب نماید و این مبلغ نباید از ۳ درصد سود خالص سالانه در شرکت سهامی عام و از ۶ درصد سود خالص سالانه در شرکت سهامی خاص تجاوز نماید. توجه شود: این پاداش نمی تواند از حداقل پاداش اعضای موظف هیأت مدیره بیشتر باشد.
مدیر موظف	تعریف: مدیری که علاوه بر عضویت در هیأت مدیره رابطه کاری دیگری هم با شرکت دارد. حق الزحمه: این مدیران در قبال عضویت خود در هیأت مدیره، حق الزحمه دریافت می کنند. این مدیران نیز در صورت پیش بینی اساسنامه و تصویب مجمع عمومی عادی شرکت می توانند نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش دریافت دارند، این مبلغ نباید از ۳ درصد سود خالص سالانه در شرکت سهامی عام و از ۶ درصد سود خالص سالانه در شرکت سهامی خاص تجاوز نماید. توجه شود: این پاداش نمی تواند برای هر عضو موظف از معادل یک سال حقوق پایه وی بیشتر باشد.

هیأت مدیره	
حد نصاب برای تشکیل جلسات	جلسه هیأت مدیره با حضور بیش از نصف اعضا رسمیت پیدا می کند.
شیوه تصمیم گیری در هیأت مدیره	تصمیم گیری در جلسات هیأت مدیره همواره با اکثریت آرای حاضرین صورت می پذیرد. البته اساسنامه می تواند خلاف این موضوع را پیش بینی کند.
اختیارات و تکالیف	۱. صلاحیت عام: شرکت سهامی به وسیله «هیأت مدیره ای» که از بین صاحبان سهام انتخاب می شوند اداره می شود. بنابراین اداره شرکت سهامی با هیأت مدیره است به عبارت دیگر هیأت مدیره اختیار عام دارد که کلیه اموری که لازم هست را برای شرکت انجام بدهد مگر در مواردی که با محدودیت روبرو باشد. (دقت شود: هیأت مدیره دارای اختیار عام برای اداره شرکت است ولی این اختیار عام باید در حدود موضوع شرکت باشد) ۲. طبق ماده ۱۱۹ لایحه اصلاحی ق.ت؛ «هیأت مدیره» در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود. ۳. طبق ماده ۱۲۴ لایحه اصلاحی ق.ت؛ نصب و عزل مدیر عامل و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را «هیأت مدیره» تعیین می کند. ۴. طبق ماده ۱۳۷ لایحه اصلاحی ق.ت؛ هیئت مدیره باید لا اقل هر شش ماه یکبار خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد. ۵. طبق ماده ۱۴۰ لایحه اصلاحی ق.ت؛ «هیأت مدیره» مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد. ۶. طبق ماده ۱۸۹ لایحه اصلاحی ق.ت؛ شرکت می تواند به پیشنهاد «هیأت مدیره» در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در قانون کمتر نگردد. ۷. مواد ۱۶۷، ۱۸۱، ۱۳۸، ۱۲۹، ۱۴۱ و ۲۰۴ لایحه اصلاحی ق.ت مطالعه شود.
	انقضای مدت مأموریت مدیران
	مدیران می توانند برای مدتی انتخاب شوند ولی این مدت بیشتر از ۲ سال نیست و اگر این ۲ سال منقضی شد و مدیران جدید انتخاب نشده بودند، مدیران قبلی تا انتخاب مدیران جدید مانند سابق مدیر شرکت قلمداد می شوند و موظف هستند به وظایف خود عمل کنند.

مدیر عامل :

- در خصوص «مدیر عامل» توجه داشته باشید که:
۱. هیأت مدیره شرکت سهامی باید حداقل یک نفر را به عنوان مدیر عامل انتخاب کند.
 ۲. مدیر عامل الزاماً باید شخصیت حقیقی باشد.
 ۳. هیچکس نمی تواند در دو شرکت به طور همزمان مدیر عامل باشد.
 ۴. مدیر عامل نماینده شرکت در برابر اشخاص ثالث می باشد.
 ۵. مدیر عامل نمی تواند همزمان رئیس هیئت مدیره شرکت هم باشد مگر با تصویب سه چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی.
 ۶. حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه مدیر عامل را هیأت مدیره تعیین می کند.
 ۷. در صورتیکه مدیر عامل عضو هیأت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیأت مدیره بیشتر نخواهد بود. **(دقت شود که: دوره مدیریت مدیر عامل محدودیت قانونی ندارد.)**
 ۸. نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه ای از صورتجلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.
 ۹. هیأت مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را عزل نماید. دقت شود که: پایان مأموریت مدیر عامل در ۲ صورت نیز اتفاق می افتد؛ ۱. در صورت منقضی شدن مهلت تعیین شده از سوی هیأت مدیره ۲. در صورت استعفای مدیر عامل.
 ۱۰. مدیر عامل حق اقدام خارج از موضوع شرکت را ندارد حتی اگر هیأت مدیره این اختیار را داده باشد.
 ۱۱. مدیر عامل نمی تواند در موضوعاتی که قانون صراحتاً در اختیار مجامع عمومی قرار داده است، دخالت نماید.
 ۱۲. مدیر عامل حق دخالت در مواردی که قانون در صلاحیت هیأت مدیره قرار داده را ندارد، حتی اگر هیأت مدیره این اجازه را به او بدهد.

محدودیت ها و ممنوعیت های مدیران و مدیر عامل در انجام معاملات با شرکت و یا به حساب شرکت و یا انجام معاملات متضمن رقابت با شرکت :

(۱) معاملات قابل ابطال: اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند.

دقت شود: در صورتی که معاملات مذکور بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات **قابل ابطال** خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت دار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی عادی به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

۲) معاملات معتبر ولی متضمن جبران خسارت:

الف) اگر معاملات فوق الذکر توسط مدیران یا مدیر عامل، با اجازه هیئت مدیره باشد اما مجمع بعداً آن را رد نماید در این صورت معامله مزبور در مقابل اشخاص ثالث معتبر است، لکن هیئت مدیره و مدیران ذی نفع در مقابل شرکت نسبت به خسارت وارده متضامناً مسئول هستند، مگر آنکه اشخاص ثالث در انجام معامله مرتکب تدلیس شده باشند که در این فرض معامله در مقابل شخص ثالث بی اعتبار و قابل ابطال خواهد بود. لذا در این فرض، مدیرانی که اجازه معامله را داده و مدیران ذی نفع همراه با شخص ثالث که در انجام معامله مرتکب تدلیس شده در مقابل شرکت نسبت به زیان های وارده مسئول خواهند بود.

ب) مدیران و مدیر عامل نمی توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از این مقررۀ تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد، مسئول جبران آن خواهد بود، منظور از ضرر اعم است از ورود خسارت یا تفویض منفعت.

۳) **معاملات باطل:** مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی، حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات به خودی خود باطل است.

دقت شود: ممنوعیت مذکور شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور می باشد.

توجه: در مورد بانکها و شرکت های مالی و اعتباری معاملات مذکور به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود.

جمع بندی وضعیت معاملات مشمول کنترل مدیران (در شرکت های سهامی)			
	مدیران	مجمع عمومی عادی	وضعیت معامله
۱	مخالف	مخالف	قابل ابطال
۲	موافق	مخالف	صحیح و نافذ (مدیران در خصوص اجرای مفاد قرارداد، مسئولیت تضامنی دارند.)
۳	مخالف	موافق	صحیح و نافذ
۴	موافق	موافق	صحیح و نافذ

بازرسان : (رکن کنترل کننده شرکت سهامی)

۱. مطابق قانون شرکت های سهامی را ملزم هستند که حداقل یک نفر را به عنوان بازرس اصلی انتخاب نمایند. در کنار این بازرس اصلی **الزاماً** باید حداقل یک بازرس علی البدل نیز انتخاب گردد تا در صورت عدم انجام وظایف از سوی بازرس اصلی در صورت فوت یا استعفا یا هر دلیل دیگری، بازرس علی البدل وظایف آن را انجام دهد.

۲. انتخاب اولین بازرسان شرکت به عهده مجمع عمومی مؤسس و انتخاب بازرسان بعدی به عهده مجمع عمومی عادی می باشد. **(دقت شود که:** انتخاب اولین بازرس یا بازرسان در شرکتهای سهامی خاص توسط صورت جلسه ای که به امضای همه سهام داران می رسد، تعیین می گردد).

۳. بازرسان می توانند شخص حقیقی یا حقوقی باشند.

۴. در مجمع عمومی عادی انتخاب مدیران و بازرسان با اکثریت نسبی خواهد بود.

۵. مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. **(دقت شود:** عزل بازرسان با رأی اکثریت مطلق؛ یعنی نصف +۱ حاضرین در جلسه مجمع صورت می گیرد)

۶. بازرسان برای یک سال مالی انتخاب می شوند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. **(دقت شود:** مدت مدیریت اعضای هیأت مدیره در شرکت های سهامی حداکثر ۲ سال است.)

۷. تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

۸. بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.

۹. بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

اشخاصی که ممنوع از پذیرش سمت بازرسی در شرکت سهامی هستند:

۱. اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قانون تجارت
۲. مدیران و مدیرعامل شرکت
۳. اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.
۴. هر کس که خود یا همسرش از مدیران و یا مدیرعامل شرکت موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.

تکالیف بازرسان	
۱	بازرسان شرکت وظیفه دارند در خصوص درستی یا نادرستی صورت دارایی شرکت، حساب سود و زیان شرکت و صورت حساب دوره عملکرد سالانه شرکت و ترازنامه ای که مدیران به مجمع عمومی ارائه می دهند اظهار نظر کنند. (ماده ۱۴۸ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۲	اگر قرار باشد مجمع عمومی سالانه تشکیل شود بازرسان باید گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی ارائه دهد که این گزارش باید ۱۰ روز قبل از تشکیل مجمع آماده باشد. (ماده ۱۵۰ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۳	اگر مدیران شرکت با شرکت معامله ای نمایند بازرسان موظف است گزارشی تهیه نموده و نظر خود را بیان کند. (ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۴	اگر قرار باشد شرکتی سرمایه خود را افزایش یا کاهش دهد بازرسان باید گزارشی از این افزایش یا کاهش سرمایه به مجمع عمومی فوق العاده ارائه دهد. (مواد ۱۶۱ و ۱۹۱ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۵	اگر بازرسان ضمن بازرسی خود با جرمی روبرو شود موظف است این موضوع را به مرجع قضایی صلاحیت دار اعلام کند و همچنین گزارشی در این خصوص به اولین مجمع عمومی ارائه نماید. (ماده ۱۵۱ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۶	مدیران در زمان تصدی مدیریت باید تعداد سهام وثیقه لازم که در اساس نامه شرکت آمده است را دارا باشند بازرسان باید بر این مورد نظارت نمایند و کنترل کنند که آیا مدیران این تعداد سهام وثیقه را دارند و آیا در طول مدیریت خودشان این تعداد سهام را حفظ می کنند یا خیر؟ در صورت عدم رعایت این موضوع بازرسان موظف است این مورد را به مجمع عمومی عادی گزارش دهد. (ماده ۱۱۷ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۷	بازرسان باید اطمینان حاصل کنند که حقوق صاحبان سهام با توجه به قانون و اساسنامه شرکت حفظ شده باشد. (ماده ۱۴۸ لایحه اصلاحی ق.ت.)
۸	نظارت و اظهار نظر در خصوص صحت مطالب و اطلاعاتی که توسط مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته می شود. (ماده ۱۴۸ لایحه اصلاحی ق.ت.)

تقسیم سود در شرکت های سهامی:

سود قابل تقسیم (ماده ۲۳۹ لایحه اصلاحی ق.ت.): سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان های سال مالی قبل و اندوخته قانونی و سایر اندوخته های اختیاری به اضافه سود قابل تقسیم سال های قبل که تقسیم نشده است.

برای درک بهتر مطلب فوق به مطالب زیر توجه نمایید:

♥ **سود خالص شرکت** در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه ها و استهلاکات و ذخیره ها. (ماده ۲۳۷ لایحه اصلاحی ق.ت.)

اندوخته اختیاری	اندوخته قانونی
اندوخته ای که شرکت مختار است در صورت تصمیم مجمع عمومی مبنی بر عدم تقسیم سود بین سهام داران کنار بگذارد «اندوخته اختیاری» نامیده می شود. نهاد تصمیم گیرنده در بحث تقسیم سود مجمع عمومی است. با توجه به احتمال سوءاستفاده کردن مجامع از این اختیار، قانون گذار در ماده ۹۰ لایحه اصلاحی ق.ت. پیش بینی نموده است که در صورت وجود منافع، تقسیم ده درصد از سود خالص سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.	تمامی شرکت های سهامی وظیفه دارند که مبلغی از سود خالصشان را به عنوان اندوخته قانونی کنار بگذارند. اندوخته قانونی معادل یک بیستم سود خالص شرکت پس از وضع زیان های وارد آمده در سال های قبل است. همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت برسد کنار گذاشتن آن اختیاری می شود. چنانچه سرمایه شرکت افزایش پیدا کند مجدداً باید این اندوخته کنار گذاشته شود تا به یک دهم سرمایه شرکت برسد. (ماده ۱۴۰ و ۲۳۸ لایحه اصلاحی ق.ت.)

سؤال: در فرض عدم سود دهی شرکت تکلیف تقسیم سود چه خواهد بود؟

پاسخ: در این فرض، هیچگونه وجهی تحت هیچ عنوانی نباید بین سهام داران تقسیم شود اگر هم تقسیم صورت پذیرد در حکم سود موهوم است.

شرکت‌های با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو تا چند نفر برای امور تجاری تشکیل می‌شود و هریک از شرکا بدون اینکه سرمایه شرکت به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد و فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض تعهدات شرکت هستند. (ماده ۹۴ ق.ت.).

شرکت با مسئولیت محدود	
حداقل تعداد شرکاء	۲ نفر
میزان مسئولیت شرکاء	هر شریک فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است. (مسئولیت صرفاً محدود به میزان آورده شرکا به شرکت است).
زمان تشکیل	تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. (در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه‌های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است)
نام شرکت	در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. (اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت)
انتقال سهم الشرکه	رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند + تنظیم سند رسمی
اداره شرکت	شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر مؤلف یا غیر مؤلف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد.
تحدید اختیارات مدیران	حالت اول: اگر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه تصریح شده باشد؛ مطلقاً معتبر است (هم مابین خودشان هم نسبت به اشخاص ثالث) حالت دوم: اگر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه تصریح نشده باشد؛ مابین خودشان معتبر است ولی در مقابل اشخاص ثالث باطل است.
هیأت نظار	حالت اول: اگر عده شرکاء آن تا دوازده نفر باشد؛ داشتن هیأت نظار اختیاری است. حالت دوم: اگر عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد؛ داشتن هیأت نظار الزامی است.
حد نصاب تغییر تابعیت شرکت	اتفاق آراء
اثر فوت شریک	فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد شرکت منحل می‌شود. (حجر تأثیری ندارد)
تقسیم سود	تقسیم منافع در این شرکت تابع مقررات مذکور در اساسنامه شرکت است و در غیر این صورت به نسبت سهم الشرکه شرکا به عمل خواهد آمد.
موارد انحلال شرکت	۱. پایان موضوع شرکت ۲. پایان مدت شرکت ۳. ورشکستگی شرکت ۴. تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم الشرکه آن‌ها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ۵. اگر به واسطه ضررهای وارده، نصف سرمایه شرکت از بین برود و یکی از شرکا تقاضای انحلال کند و محکمه دلائل او را موجه بداند و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. ۶. در صورت فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

[شرکت‌های تضامنی]

شرکت تضامنی شرکتی است که تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود. در شرکت تضامنی اگر دارایی شرکت برای تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. (ماده ۱۱۶ ق.ت)

شرکت تضامنی	
حداقل تعداد شرکاء	۲ نفر
میزان مسئولیت شرکاء	هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. (هر کسی به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی که موجود است داخل شود متضامناً با سایر شرکا مسئول قروض شرکت خواهد بود که شرکت قبل از ورود این شخص آن قروض را داشته است. هر قراری که بین شرکا برخلاف این مقرر شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.)
زمان تشکیل	تمام سرمایه نقدی تأدیه ۹ سهم‌الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. (اگر سهم‌الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد باید سهم‌الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود)
نام شرکت	در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکانی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.
انتقال سهم‌الشرکه	در شرکت تضامنی هیچ‌یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء (اتفاق آراء)
اداره شرکت	شرکاء باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند. (مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد)
هیأت نظار	داشتن هیأت نظار اختیاری است.
اثر فوت یا حجر شریک	در صورت فوت یا حجر یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی یا محجور خواهد بود. اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی یا محجور باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت یا حجر رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتیکه قائم مقام متوفی یا محجور رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. (سکوت تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است)
تبدیل تضامنی به شرکت سهامی	هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی تبدیل گردد در اینصورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.
حکم به ورشکستگی بعد از انحلال	به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می‌توان حکم داد مشروط به اینکه؛ دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.
ورشکستگی شریک	ورشکستگی یکی از شرکا ممکن است به انحلال شرکت منجر شود. این انحلال نیازمند صدور حکم از جانب مرجع قضایی نمی‌باشد؛ زیرا انحلال شرکت در صورت ورشکستگی یکی از شرکا جنبه قهری داشته و کافی است مدیر تسویه‌ی شریک ورشکسته کتباً تقاضای انحلال شرکت را بنماید و از این تقاضا ۶ ماه بگذرد و هیچ یک از شرکا مدیر تسویه را از در خواست خود منصرف نکند.
دقت شود:	در شرکت تضامنی ممکن است ورشکستگی شریک، سبب انحلال شرکت و ورشکستگی شرکت، موجب ورشکستگی شریک شود، اما در شرکت سهامی، ورشکستگی شرکت یا شریک آن، تأثیری در وضعیت دیگری ندارد.
اخراج شریک از شرکت	۱. در صورتی که به دلایلی یکی از شرکا درخواست انحلال شرکت را از دادگاه نماید و دادگاه هم دلایل این شریک را موجه تشخیص دهد، در این صورت دادگاه می‌تواند حکم انحلال صادر کند اما اگر دلایل انحلال فقط مربوط به یک یا چند شریک باشد دادگاه میتواند بنا به درخواست سایر شرکا حکم اخراج آن شرکایی که در خواست انحلال را دارند صادر کرده تا شرکت به حیات خود ادامه دهد. ۲. در صورتی که یکی از شرکا ورشکسته شود در این حالت اگر طلبکار آن نتواند از دارایی آن شخص به طلب خود برسد و طلب خود را وصول کند و تقاضای انحلال شرکت را داشته باشد سایر شرکا می‌توانند فقط سهم شریکی که ورشکسته شده را پرداخت کنند و این شخص را از شرکت اخراج کنند.
دقت داشته باشید:	چنانچه شرکت نامه یا اساسنامه شرکت تضامنی، در مورد حدنصاب تصمیم‌گیری شرکا در امور شرکت مقرره‌ای وضع نکرده باشد همه تصمیمات شرکا باید به اتفاق آرا گرفته شود.

شرکت‌های نسبی

شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتي تحت اسم مخصوص بين دو يا چند نفر تشكيل و مسئوليت هر يك از شركا به نسبت سرمايه اى است كه در شركت گذاشته شده است. (ماده ۱۸۳ ق.ت)

شرکت نسبی	
حداقل تعداد شركاء	۲ نفر
میزان مسئوليت شركاء	مسئوليت شركاء به نسبت سرمايه آنها است.
زمان تشكيل	تمام سرمايه نقدى تأديه و سهم الشرکه غير نقدى نیز تقويم و تسليم شده باشد. (اگر سهم الشرکه يك يا چند نفر غير نقدى باشد بايد سهم الشرکه مزبور قبلاً به تراضى تمام شركاء تقويم شود)
نام شركت	در اسم شركت نسبى عبارت (شركت نسبى) و لااقل اسم يك نفر از شركاء بايد ذكر شود- در صورتى كه اسم شركت مشتمل بر اسامى تمام شركاء نباشد بعد از اسم شريك يا شركائى كه ذكر شده عبارتى از قبيل (و شركاء) (و برادران) ضرورى است.
انتقال سهم الشرکه	در شركت نسبى هيچ يك از شركاء نمى تواند سهم خود را به ديگرى منتقل كند مگر به رضاي <u>تمام</u> شركاء (اتفاق آراء)
اداره شركت	شركاء بايد لااقل يك نفر از ميان خود يا از خارج به سمت مديرى معين نمايند. (مسئوليت مدير شركت در مقابل شركاء همان مسئوليتى است كه وكيل در مقابل موكل دارد)
هيات نظار	داشتن هيات نظار اختيارى است.
اثر فوت يا حجر شريك	در صورت فوت يا حجر يكي از شركاء بقاء شركت موقوف به رضاي ساير شركاء و قائم مقام متوفى يا محجور خواهد بود- اگر ساير شركاء به بقاء شركت تصميم نموده باشند قائم مقام متوفى يا محجور بايد در مدت يك ماه از تاريخ فوت يا حجر رضاي يا عدم رضاي خود را راجع به بقاء شركت كتباً اعلام نمايد در صورتى كه قائم مقام متوفى يا محجور رضاي خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شركت در مدت مزبور از نفع و ضرر شريك خواهد بود ولى در صورت اعلام عدم رضاي در منافع حاصله در مدت مذكور شريك بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. (سكوت تا انقضاي يكماه در حكم اعلام رضاي است)
تبديل شركت نسبى به شركت سهامى	هر شركت نسبى مى تواند با تصويب تمام شركاء به شركت سهامى تبديل گردد در اينصورت رعايت تمام مقررات راجعه به شركت سهامى حتمى است.
حكم به ورشكستگى بعد از انحلال	به ورشكستگى شركت نسبى بعد از انحلال نيز مى توان حكم داد مشروط به اينكه دارائى شركت تقسيم نشده باشد.

[شرکت مختلط غیر سهامی]

شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می شود. (ماده ۱۴۱ ق.ت)

شرکت مختلط غیر سهامی	
حد اقل تعداد شرکاء	یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام. (حد اقل ۲ شریک)
میزان مسئولیت شرکاء	شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود- شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد.
زمان تشکیل	تمام سرمایه نقدی تأدیه ۹ سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.
نام شرکت	در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لا اقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.
انتقال سهم الشرکه	نیازمند رضایت تمام شرکاء (اتفاق آراء)
اداره شرکت	اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است. (شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است)
هیأت نظار	داشتن هیأت نظار الزامی نیست به شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و میتواند از روی دفاتر اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد)
اثر فوت یا حجر شریک	فوت یا حجر شریک ضامن سبب انحلال می شود. (مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود)

[شرکت مختلط سهامی]

شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود. شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آن ها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آن ها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شرکت مختلط سهامی	
حد اقل تعداد شرکاء	یک عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود. (حد اقل ۳ شریک)
میزان مسئولیت شرکاء	شرکاء سهامی؛ مسئولیت آن ها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند. شریک ضامن؛ مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آن ها در مقابل طلبکاران و روابط آن ها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.
زمان تشکیل	تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. و شرکای سهامی تمام سهام شرکت را تعهد نمایند.
نام شرکت	در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لا اقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.
انتقال سهم الشرکه	شریک تضامنی: نیازمند رضایت تمام شرکاء (اتفاق آراء) شریک سهامی: اصولاً در انتقال سهام آزادند.
اداره شرکت	مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است.
هیأت نظار	هیئت نظاری لا اقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می شود.
اثر فوت یا حجر شریک	در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن شرکت منحل می شود، مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد.

حقوق تجارت سه (اسناد تجاری)

【کلیات اسناد】

اسناد تجاری در معنای عام	اسناد تجاری در معنای خاص
سندی است که قابل معامله و انتقال بوده و به نفع دارنده آن معرف وجود طلب یا تعهد تجاری در سررسید معین است و معمولاً بین تجار در معاملات تجاری مورد استفاده قرار می گیرند که شامل برات سفته، چک، بارنامه و سیاهه تجارتی، اوراق قرضه، قبض انبار، ضمانت نامه بانکی و ... می شود.	فقط شامل برات، سفته و چک می شود. در این خصوص توجه شود که: برات، سفته، چک سه نوع عمده از اسناد تجاری هستند که به آن ها اسناد براتی نیز گفته می شود. اسناد تجاری به معنای خاص به اسنادی اطلاق می شود که قابل نقل و انتقال بوده، متضمن دستور پرداخت مبلغ معینی به رویت یا به سررسید کوتاه مدت می باشند و به جای پول وسیله پرداخت قرار می گیرند و از امتیازات و مقررات ویژه قانونی تبعیت می کنند.

برخی ویژگی های اسناد تجاری به معنای خاص:

- درخواست تأمین خواسته و توقیف اموال بدهکار سند تجاری بدون لزوم تودیع خسارت احتمالی خوانده به استناد ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی.**
- مسئولیت تضامنی امضا کنندگان؛** بدین معنا که همه آن افراد متضامناً مسئول پرداخت وجه آن سند می باشد و در صورتی که یکی از آنان وجه را پرداخت نماید، دیگر امضا کنندگان در مقابل دارنده، مسئولیتی نخواهد داشت. (ماده ۲۴۹ ق.ت. مطالعه شود).
- دقت داشته باشید که:** ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرونیسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.
- وصف تجریدی بودن سند تجاری؛** بدین معنا است که امضای سند تجاری، برای صادرکننده، ایجاد کننده تعهدی مستقل، خارج از تعهد پایه منشا صدور آن می شود و روابط مالی میان صادرکننده و دریافت کننده سند، تاثیری در حقوق شخص ثالثی که سند به واسطه ظهرونیسی، به او منتقل شده، ندارد. از این اصل ۲ اصل به شرح زیر به وجود می آید:
- الف) اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات؛** بدین معنا می باشد که صاحبان سند تجاری (امضاء کنندگان سند) نمی توانند در مقابل دارنده با حسن نیت، به روابط شخصی خود با دارنده یا دارندگان قبلی، استناد نمایند مگر در استثنائاتی مانند؛
 - ایرادات بین ایادی بلافصل: در زمانی که در روابط بین صادرکننده یا ظهرونیس سند تجاری و شخص بلافصل او دعوا مطرح باشد، گرچه اصل مدیونیت سند تجاری جریان دارد، اما ایراداتی که خواننده دعوا مطرح می نماید می بایست مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا یکی از شرایطی که برای اجرای اصل عدم استماع ایرادات وجود دارد، این است که دارنده با حسن نیت باشد. لذا در رابطه بلافصل که دارنده سند از روابط پایه آگاه بوده، این اصل اطلاق خود را از دست می دهد.
 - ایرادات علیه دارنده با سوء نیت: مثلاً شخص از ایرادات سند تجاری اطلاع داشته باشد؛ یعنی چنانچه دارنده با علم و آگاهی به عدم مدیونیت مدعی ایراد، سند را تحصیل کرده باشد استحقاق وصول وجه را از غیر مدیون ندارد.
 - ایراد شکلی نسبت به سند
 - ایراد عدم اهلیت: در صورتی که ثابت شود امضاء کننده سند تجاری، در زمان امضای آن سند، اهلیت لازم را نداشته و محجور بوده اعم از اینکه صغیر، سفیه، مجنون و یا ورشکسته بوده باشد، در اینصورت مسئولیتی بابت امضای آن سند متوجه او نیست.

- ایرادات مربوط به امضاء: چنانچه شخصی نسبت به امضای خود ایراد کند، در واقع رکن اساسی سند را نپذیرفته است و لذا دادگاه مکلف به رسیدگی است. ایراد نسبت به امضاء ممکن است مبتنی بر ادعای جعل یا اجبار و اکراه باشد که در هر حال علیه هر دارنده قابل استماع و رسیدگی است. زیرا امضای مجعول هیچ مسئولیتی را برای شخص ایجاد نمی کند.
- ایراد تحصیل مجرمانه سند و ...

*** دقت شود که:** استثنائات فوق حتی در مقابل دارنده‌ی با حسن نیت، قابل استناد است.

ب) اصل استقلال امضاها: هر شخص امضا کننده‌ای جدا از دیگر مسئولین و امضا کنندگان اسناد، در مقابل افراد دارنده‌ی اسناد تجاری مسئول هستند. اگر یکی از مسئولانی که سند را امضا کرده است به دلایل مختلف قانونی از پرداخت آن معاف شود، امضا کنندگان دیگر همچنان مسئول آن سند هستند. مگر در مواردی که آن دلیل قانونی درباره آن ها نیز صدق نماید.

صدور اسناد تجاری به وکالت یا نمایندگی:

اگر وکیل یا نماینده در حدود اختیارات خود عمل کرده باشند:

- **اگر سند اصداری چک باشد:** صادر کننده چک (وکیل یا نماینده) و صاحب امضا (اصیل) متضامنا مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می شود. به علاوه امضا کننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.
- در نتیجه این نکته حائز اهمیت است:** کسی که به نمایندگی، چک را صادر نماید، در هر صورت مسئول پرداخت وجه چک و خسارات است، حتی اگر ثابت کند عدم پرداخت منتسب به صاحب حساب بوده است

- **اگر سند اصداری برات یا سفته باشد:** فقط اصیل مسئول پرداخت خواهد بود.

به طور مثال: اگر مدیر شرکتی براتی صادر نماید در این مورد فقط شرکت مسئولیت حقوقی دارد و ضامن است و مدیر شرکت مسئولیتی در این زمینه ندارد.

[برات]

برات نوشته‌ای است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می‌دهد در وعده‌ای معین یا قابل تعیین مبلغی را به شخص ثالث یا به حواله کرد او پرداخت کند. دستور دهنده را (برات کش، صادر کننده یا برات دهنده) می‌نامند و به شخصی که دستور را دریافت می‌کند، (برات گیر و یا محال علیه) می‌گویند و شخص ثالث نیز (دارنده برات) نامیده می‌شود.

به عبارت دیگر: برات سندی تجاری است که مطابق آن شخص اول از شخص دوم تقاضا می‌کند که وجه درج شده در برات را در تاریخی مقرر به شخص سوم یا هر کسی که شخص سوم، وجه را به او حواله کرده، پرداخت نماید. (برات دهنده از برات گیر می‌خواهد مبلغی مشخص را به دارنده برات تحویل نماید)

دقت شود: براساس مقررات موضوعه ایران صادر کننده برات می‌تواند بنا به دستور شخص دیگر، براتی به حساب وی و به حواله کرد خود صادر کند.

♡ **ظهنویس در برات:** ممکن است شخص ثالث به عنوان دارنده برات و طلبکار وجه، سند برات را به دیگری واگذار کرده و آن دیگری به شخص دیگر و به همین ترتیب سند برات چند دست منتقل شود. در این حالت آخرین فردی که در نهایت سند برات در دست اوست دارنده نهایی برات بوده و کلیه اشخاص ماقبل او بجز شخص اول (برات دهنده) و شخص دوم (برات گیر)، ظهنویس هستند. یعنی اشخاصی که پشت سند را امضا کرده‌اند تا دست به دست منتقل شود.

↪ ظهنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهنویس و کالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.

↪ هرگاه ظهنویس در ظهنویسی تاریخ مقدماتی قید کند مزور شناخته می‌شود.

↪ اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع بسایر مسئولین برات نیست - اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

شرایط شکلی برات

۱. امضاء یا مهر برات دهنده؛ برات دهنده همان صادر کننده برات است.

(در صورت فقدان این شرط، نوشته‌ی صادر شده، سند (تجاری/مدنی) محسوب نمی‌شود.)

۲. قید کلمه (برات) در روی ورقه (فاقد ضمانت اجرا)

۳. تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

۴. اسم شخصی که باید برات را تادیه کند

۵. تعیین مبلغ برات

۶. تاریخ تأدیه وجه برات

۷. مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد. یا محل دیگر

۸. اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می‌شود. (دقت شود که: صدور برات در وجه حامل ممنوع است/ تنها سندی که می‌توان در وجه حامل صادر کرد سفته است.)

۹. تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط شماره ۳ تا ۹ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود؛ بلکه سند عادی حقوقی بوده و تابع احکام قانون مدنی است.

به نکات زیر توجه نمایید:

۱. تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود.
 ۲. در ماده ۲۴۱ ق.ت. برای برات ۴ نوع تاریخ پرداخت ذکر شده است:
 - ◀ به رؤیت یا به دیدار (یعنی پرداخت برات توسط برات گیر به محض رؤیت آن ظرف ۲۴ ساعت باید انجام شود).
 - ◀ به وعده از تاریخ صدور برات (مثلاً ۳ ماه از تاریخ صدور پرداخت گردد).
 - ◀ به وعده از تاریخ رؤیت (مثلاً ظرف ۲ ماه از تاریخ رؤیت برات، می بایست برات پرداخت شود).
 - ◀ موکول به تاریخی معین (برات دارای تاریخ پرداخت باشد).
 ۳. اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آن ها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطبق اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آن ها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.
 ۴. پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید.
- دقت داشته باشید:** طبق رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخه ۱۳۵۳؛ اگر مبلغ برات پول خارجی باشد پرداخت آن با رعایت مقررات ارزی کشور مجاز است.

انواع برات:

- **برات ساده:** همان براتی که در مطالب فوق از آن ارائه شد؛ یعنی براتی که فرد اول به حساب و تایید فرد دوم در وجه فرد سوم صادر می کند.
- **برات رجوعی:** برات رجوعی زمانی صادر می شود که، دارنده برات در زمان سررسید برات به دارنده یا هریک از مسئولین پرداخت برات مراجعه کرده، اما با عدم پرداخت مواجه شود. در این حالت دارنده برات به جای طرح دعوا علیه پرداخت کننده، براتی جدید (برات رجوعی) در وجه پرداخت کننده برات سابق، صادر می کند؛ در نتیجه برای صدور برات رجوعی می بایست یک برات ساده و پرداخت نشده وجود داشته باشد تا امکان صدور برات جدید وجود داشته باشد.
- **دقت داشته باشید:** خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می شود.
- **برات سازشی:** در صدور این نوع برات قرار نیست مبلغ برات پرداخت شود بلکه این نوع برات صرفاً جهت کسب نقدینگی صادر شده است؛ در نتیجه در برات سازشی، پرداخت کننده برات به صادر کننده آن بدهکار نخواهد شد و صرفاً به دلیل کسب اعتبار صادر کننده، علیه وی صادر خواهد گشت.

صدور برات در خارج از ایران:

- در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است.
- هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهنویسی - ضمانت - قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.
- معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.
- دقت داشته باشید:** اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

قبول و نکول برات:

براتگیر مختار است که برات را قبول یا نکول نماید در این خصوص نکات زیر حائز اهمیت است؛

الف) قبول برات:

- قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.
- در صورتیکه برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب می شود.
- هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. دقت داشته باشید که: اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است.
- در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.
- قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید.
- قبول کننده حق نکول ندارد. (لازم بودن قبولی)
- ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید؛ در نتیجه قبولی برات قابل تجزیه است.
- اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود (نکول حکمی) ولی معهداً قبول کننده به شرط، در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.
- در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تأدیه شود تصریح به مکان تأدیه ضروری است؛ در نتیجه قید محل تأدیه در قبولی برات اصولاً لازم نیست مگر در موردی که تأدیه برات باید در محل خارج از اقامتگاه براتگیر صورت پذیرد. **دقت داشته باشید:** همانطور که در شرایط شکلی برات ذکر شد، قید محل تأدیه در زمان صدور برات الزامی می باشد، در غیر اینصورت مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود؛ بلکه سند عادی حقوقی بوده و تابع احکام قانون مدنی است.
- برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ب) نکول برات:

- **نکول برات:** عبارت است از اینکه شخص برات گیر، برات و پرداخت وجه آن را قبول نکند و بگوید من چنین براتی را قبول نمی کنم. زیرا همان طور که اشاره شد قبول برات الزامی و اجباری نیست. در نتیجه به عدم قبول برات، نکول گفته می شود.
- **اعتراض دارنده برات نسبت به نکول برات:** نکول برات باید به موجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد. تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول؛ در نتیجه اعتراض نامه نکول سندی است که دارنده برات (در اختیار دارد تا نکول برات گیر نسبت به شخص صادر کننده برات و ظهرنویسان دارای اثر باشد.
- **اثر اعتراض نکول:** پس از اعتراض نکول ظهرنویس ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.
- **اعتراض نامه عدم تأدیه برات:** اعتراض نامه عدم تأدیه اعتراضی است که از سوی دارنده سند برات صورت می گیرد مبنی بر اینکه چرا شخص برات گیر که سند را قبول نموده، وجه را نمی پردازد. این اعتراض زمانی صورت می گیرد که برات گیر پرداخت مبلغ درج شده در برات را قبول کرده اما به هر دلیلی پرداخت نمی کند.
- **اثر اعتراض نامه عدم تأدیه برات:** اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

قبولی شخص ثالث :

- هر گاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می تواند آن را به نام برات دهنده یا یکی از ظهرنویس ها قبول کند. قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده به امضاء او برسد.
- بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویس ها حاصل می شود، محفوظ خواهد بود.
- **دقت شود:** برات گیری که قبلاً برات را نکول نموده می تواند بعداً به عنوان ثالث آن برات را قبول کند، در این حالت فرد به عنوان ثالث، پس از پرداخت می تواند به کسی که از طرف او پرداخت را انجام داده رجوع کند و این یک امتیاز برای ثالث می باشد ولی شخص برات گیر در صورت قبول برات از این امتیاز محروم بود؛ زیرا قبول برات توسط برات گیر اماره ای بر بدهکاری او به صادر کننده و وجود محل برات، نزد وی (برات گیر) می باشد.

ورشکستگی مسئولین برات :

هر گاه چند نفر از مسئولین برات، ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید- مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارائی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند- جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند. (در خصوص سفته یا چک نیز اینچنین است).

دقت شود: مفاد مطلب فوق در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مثال برای فهم مطلب: در صورتی که (الف)، (ب) و (ج) که هر سه از مسئولین برات هستند ورشکسته شوند، بر اساس مسئولیت تضامنی دارنده برات حق دارد برای وصول طلب ناشی از سند، برای تمام طلب خود وارد غرما هر سه آن ها گردد، حال اگر مثلاً دارنده وارد غرمای (ج) گردد. مدیر تصفیه (ج) حق ندارد بر اساس حق مراجعه ای که بر اساس سند تجاری دارد به مدیر تصفیه (ب) یا (الف) رجوع کند مگر اینکه مبالغی را که مجموعاً برای دارنده اختصاص می یابد بیش از میزان طلب او باشد که در این صورت حق رجوع به سایر ورشکسته ها محفوظ است به عنوان مثال دارنده ۱۰ میلیون طلب دارد و غرمای هر سه می شود از دارایی (الف) ۴ میلیون، (ب) ۳ میلیون و (ج) ۵ میلیون به دارنده اختصاص می یابد در این فرض چون مجموع مبالغ بیش از میزان طلب است اگر مدیر تصفیه (ج) ۵ میلیون را به دارنده بپردازد حق دارد که نسبت به مازاد یعنی ۲ میلیون وارد غرمای ورشکستگان دیگر شود.

تست کالت ۱۳۹۷:

در صورتی که صادر کننده و دو ظهرنویس چک ورشکسته شوند، کدام مورد صحیح است؟

- الف)** دارنده حق مراجعه به مدیران تصفیه صادر کننده و هر یک از دو ظهرنویس ورشکسته برای تمام طلب خود دارد. ✓
- ب)** اگر مدیر اداره تصفیه ظهرنویس دوم، نصف طلب دارنده را بپردازد، به هیچ وجه حق مراجعه به مدیر اداره تصفیه ظهرنویس اول را ندارد.
- ج)** دارنده حق مراجعه به مدیر تصفیه صادر کننده برای تمام طلب خود و به هر یک از مدیران تصفیه دو ظهرنویس ورشکسته برای نصف طلب خود را دارد.
- د)** دارنده حق مراجعه به مدیران تصفیه صادر کننده و دو ظهرنویس برای تمام طلب خود را دارد و مدیر اداره تصفیه ظهرنویس، مکلف به پرداخت کل طلب او هستند.

تأدیه وجه برات توسط شخص ثالث:

- هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید- دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یا در ذیل آن قید شود.
- شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.
- اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویس‌ها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویس‌ها به عمل آید ظهرنویس‌های بعد از او بری‌الذمه‌اند.
- اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری‌الذمه می‌کند- اگر خود محال‌علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

تکالیف دارنده برات :

۱. چنانچه برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باشد ← باید ظرف ۱ سال به رؤیت محال‌علیه برسد.
 ۲. مهلت اعتراض نامه نکولی از طرف دارنده برات، در صورتی که برات نکول شود ← ظرف ۱۰ روز
 ۳. مهلت اعتراض نامه عدم پرداخت از طرف دارنده برات، در صورتی که برات پرداخت نشده و با عدم تأدیه مواجه گردد ← ظرف ۱۰ روز
- دقت شود:** دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ اعتراض، عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد. هر یک از ظهرنویس‌ها نیز باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه آن‌را به همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.
۴. اگر برات نکول شود یا پرداخت نگردد و محل پرداخت وجه برات ایران باشد ← دارنده برات باید ظرف ۱ سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوا نماید.
 ۵. در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران ← ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.

ضمانت اجرای عدم رعایت تکالیف قانونی توسط دارنده برات :

- دارنده حق رجوع به ۱. ظهرنویسان و ضامنین آن‌ها ۲. صادرکننده براتی که محل را نزد محال‌علیه فراهم کرده است را ندارد.
- پس دارنده حق رجوع به چه کسانی را خواهد داشت؟
- جواب:** مسئولین اصلی؛ یعنی ۱. محال‌علیه‌ی که برات را قبول نموده و ۲. صادرکننده‌ای که محل را نزد محال‌علیه فراهم نکرده و ۳. ضامن صادرکننده‌ای که محل را نزد محال‌علیه فراهم نکرده است.

واخواست (اعتراض/پروتست) :

◀ **واخواست برات** یا اعتراض در سه مورد به عمل می آید:

۱. در مورد نکول
 ۲. در مورد امتناع از قبول یا نکول
 ۳. در مورد عدم تادیه
- عملی که به موجب آن یکی از سه مورد فوق به صورت قانونی ثابت شود را «واخواست برات» می نامند.

◀ نوشته ای که به براتگیر ابلاغ می شود، اعتراض نامه یا ورقه واخواست برات و اصل عمل را، اعتراض یا واخواست می نامند و به اشخاص زیر ابلاغ می شود:

الف- به محال علیه (براتگیر)

ب- به اشخاصی که در برات برای تادیه وجه هنگام اقتضا معین شده اند.

ج- شخص ثالثی که برات را قبول نموده.

اعتراض به موجب امر دادگاه شهرستان محل مورد اعتراض به عمل می آید. اگر در آن محل دادگاه شهرستان نباشد این وظیفه را دادگاه بخش انجام می دهد و اگر دادگاه بخش هم نباشد، رئیس ثبت اسناد و در صورتی که اداره ثبت هم وجود نداشته باشد به عهده حاکم محل است.

◀ ورقه واخواست (اعتراض نامه) باید مراتب زیر را دارا باشد:

۱. رونویس کامل برات یا تمامی محتویات شامل از قبولی و ظهنویسی و غیره.
 ۲. امر به تادیه وجه برات.
- مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تادیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراض نامه قید و امضاء کند.
- ◀ واخواست معمولاً در سه نسخه نوشته می شود که یکی در دفتر دادگاه باقی می ماند و دیگری به شخصی که باید ابلاغ شود داده می شود و نسخه دیگر به دهنده واخواست داده می شود. (اعتراض باید در یک نسخه به عمل آید ولی عملاً سه نسخه تهیه می شود، زیرا قانون نسخه ای که در دفتر دادگاه باقی می ماند اصل فرض کرده و دو نسخه دیگر را سواد آن می داند)
- دقت داشته باشید:** مأمور اجرا باید سواد صحیح اعتراض نامه را به محل اشخاصی که باید واخواست برات به آن ها ابلاغ شود بدهد.
- ◀ دفتر محکمه یا دفتر مقامی که وظیفه محکمه را انجام می دهد باید مفاد اعتراض نامه را روزبه روز به ترتب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضا شده است ثبت نماید. در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهنویس اولی بر روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آن ها را توسط نامه سفارشی از علل امتناع از تادیه مستحضر سازد.

سفته (فته طلب)

سندی است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

۱. امضاء یا مهر صادر کننده

(در صورت فقدان این شرط، نوشته‌ی صادر شده، سند (تجاری/مدنی) محسوب نمی‌شود.)

۲. تاریخ صدور

۳. مشخصات صادر کننده (نام و نام خانوادگی)

۴. گیرنده وجه (صدور سفته در وجه حامل بلامانع است.)

۵. مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف

۶. تاریخ پرداخت

در صورتی که سفته متضمن یکی از شرایط شماره ۲ تا ۶ نباشد مشمول مقررات راجعه به سفته های تجاری نخواهد بود؛ بلکه سند عادی حقوقی بوده و تابع احکام قانون مدنی است.

شرایط شکلی
سفته

★ سایر مقررات راجع به بروات تجاری در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعايه است.

چک

چک نوشته‌ای (سندی) است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.
(ماده ۳۱۰ ق.ت)

اوصاف چک

۱. چک حتماً باید به صورت کتبی صادر شود.
۲. محال‌علیه چک بانک‌ها می‌باشند.
۳. چک دارای فرم چاپی مخصوص و ته برگ است در نتیجه اگر روی یک برگ معمولی صادر شود؛ بانک‌ها اقدام به پرداخت آن نمی‌کنند.
۴. صدور چک فقط با امضا امکان‌پذیر است.

انواع چک: (ماده ۱ ق.ص.چ. + تبصره ۲ ماده ۶ ق.ص.چ.)

۱. **چک عادی:** چکی است که اشخاص (هر شخصی) عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.
 ۲. **چک تأیید شده (چک گواهی شده):** چکی است که اشخاص (هر شخصی) عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال‌علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود.
 ۳. **چک تضمین شده:** چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.
 ۴. **چک مسافرتی (چک در گردش):** چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.
 ۵. **چک الکترونیک:** چکی است که شخص دارنده حساب جاری به موجب امضای الکترونیکی دستور پرداخت را به بانک می‌دهد.
- نکته:** تمام مقررات چک کاغذی از جمله؛ قابلیت تعقیب کیفری، مسئولیت تضامنی صادرکننده و ضامن، در چک الکترونیکی نیز رعایت می‌شود.
- نکته:** شرایط شکلی چک الکترونیک همانند چک کاغذی است.
- نکته:** چک الکترونیک در وجه حامل قابل صدور نیست و باید ذی‌نفع معین داشته باشد.
۶. **چک موردی:** چک موردی یکی از انواع چک است، این نوع چک به منظور کاهش تقاضا برای دسته چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده‌دار، برای اشخاصی که دسته چک ندارند پیش‌بینی شده است.

احکام خاص چک‌های تضمین شده (ماده ۲۴ ق.ص.چ)	
۱	صدور و تحویل چک‌های تضمین شده توسط بانک‌ها به مشتری، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) امکان پذیر و مستلزم تکمیل برگه (فرم) درخواست توسط متقاضی در شعبه بانک در حضور متصدی بانکی، درج مشخصات هویتی و شماره حساب گیرنده روی چک تضمین شده بر اساس دستورالعمل اعلامی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نیز ثبت علت درخواست صدور چک مذکور در سامانه صیاد می‌باشد. سامانه مذکور به هر برگه چک، شناسه یکتا اختصاص می‌دهد و بانک مرکزی موظف است امکان استعلام اطلاعات چک تضمین شده را برای گیرنده (ذینفع) فراهم نماید.
۲	پرداخت مبلغ چک تضمین شده توسط بانک صرفاً در وجه و به شماره حساب گیرنده (ذینفع) که مشخصات وی روی چک تضمین شده درج گردیده است، امکان پذیر می‌باشد و ظهر نویسی برای انتقال چک تضمین شده فاقد اعتبار است.
۳	ابطال چک تضمین شده به درخواست متقاضی یا وکیل یا نماینده قانونی وی با ارائه اصل چک جهت واریز وجه چک به حساب متقاضی، بدون نیاز به ظهر نویسی گیرنده (ذینفع)، تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک صادرکننده امکان پذیر است. همچنین پرداخت چک تضمین شده به گیرنده (ذینفع) با ارائه اصل چک تنها پس از مهلت مقرر در این بند منوط به تکمیل برگه (فرم)‌های مربوط به مبارزه با پول‌شویی توسط متقاضی یا گیرنده (ذینفع) و گزارش شعبه بانک به واحد مبارزه با پول‌شویی بانک صادرکننده می‌باشد.
۴	در صورت مفقودی چک تضمین شده، هرگاه متقاضی و گیرنده (ذینفع) هر دو به بانک صادرکننده مراجعه و نسبت به تکمیل و امضای برگه (فرم) اعلام مفقودی چک تضمین شده و تعهدنامه عدم ادعا نسبت به چک مفقود شده اقدام نموده و نسخه المثنی آن را از بانک درخواست کنند، بانک مکلف است علاوه بر احراز هویت متقاضی و گیرنده (ذینفع) نسبت به استعلام صحت مشخصات هویتی متقاضی و گیرنده (ذینفع) از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی اقدام نماید و پس از ابطال چک مفقود شده، نسبت به صدور چک المثنی مطابق با اطلاعات مندرج در سامانه صیاد اقدام کند.
۵	در صورت جعل چک تضمین شده یا استفاده از چک تضمین شده مجعول، مرتکب علاوه بر مجازات‌های قانونی مقرر، به حکم دادگاه به مدت دو تا شش سال از گرفتن چک تضمین شده محروم می‌شود.

احکام خاص چک موردی (تبصره ۲ ماده ۶ ق.ص.چ.)	
۱	بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجراء شدن قانون جدید ضوابط چک موردی را تعیین کند.
۲	برای صدور چک موردی نیازی به اعتبار سنجی و رتبه‌بندی اعتباری نیست. (در مباحث بعدی به توضیح اعتبار سنجی می‌پردازیم.)
۳	برای صدور چک موردی نیازی به داشتن دسته چک نیست.
۴	چک موردی فقط برای پرداخت‌های وعده دار است. (با توجه به وعده دار بودن چک موردی، این نوع چک ضمانت اجرای کیفری ندارد.)
۵	در صورت عدم موجودی کافی برای پرداخت چک موردی، صاحب حساب تا زمان پرداخت دین، مشمول موارد تنبیهی (ماده ۵ مکرر ق.ص.چ) از جمله؛ الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید ب- مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه‌های ارزی یا ریالی د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی، و نیز محرومیت از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی می‌باشد.
۶	چک موردی نیز همانند سایر چک‌های موضوع قانون جدید صدور چک، در وجه حامل قابل صدور و ظهر نویسی نیست.

شرایط اعطای دسته چک به متقاضی : (ماده ۶ ق.ص.ج.)

بانک‌ها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند.

مراحل صدور دسته چک برای متقاضی از طریق سامانه صیاد (صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک)	
مرحله اول	سامانه صیاد ابتدا از طریق استعلام از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی (سامانه نهاب) و نبود ممنوعیت قانونی از صحت مشخصات متقاضی اطمینان حاصل می‌کند. نکته: احراز هویت سنجی و عدم ممنوعیت، برای صدور چک موردی کفایت می‌کند و مراحل بعدی نیاز نیست. اگر متقاضی درخواست دسته چک کند، باید مرحله زیر هم انجام شود.)
مرحله دوم	اعتبار سنجی متقاضی دسته چک از طریق سامانه ملی اعتبارسنجی یا از طریق مؤسسات رتبه بندی و در نتیجه متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه چک شناسه یکتا اختصاص می‌دهد.

دقت داشته باشید: هر شخصی که با توسل به شیوه های متقلبانه مبادرت به دریافت دسته چکی غیرمتناسب با اوضاع مالی و اعتباری خود کرده یا دریافت آن توسط دیگری را تسهیل نماید، به مدت سه سال از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی محروم و به جزای نقدی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد، مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می‌شود. (تبصره ۳ ماده ۶ ق.ص.ج.)

♡ **عملکرد سامانه صیاد (سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک):**

ماده ۲۱ مکرر ق.ص.ج (الحاقی ۱۳۹۷): بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت دو سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوءاثر نشده، از دریافت دسته چک و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی جلوگیری کرده و همچنین امکان استعلام آخرین وضعیت صادر کننده چک شامل سقف اعتبار مجاز، سابقه چک برگشتی در سه سال اخیر و میزان تعهدات چک‌های تسویه نشده را صرفاً برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند، فراهم نماید. سامانه مذکور به نحوی خواهد بود که صدور هر برگه چک مستلزم ثبت هویت دارنده، مبلغ و تاریخ مندرج در چک برای شناسه یکتای برگه چک توسط صادر کننده بوده و امکان انتقال چک به شخص دیگر توسط دارنده تا قبل از تسویه آن، با ثبت هویت شخص جدید برای همان شناسه یکتای چک امکان پذیر باشد. مبلغ چک نباید از اختلاف سقف اعتبار مجاز و تعهدات چک‌های تسویه نشده بیشتر باشد.

دقت شود: ممنوعیت‌های این ماده در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوءاثر نشده که به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی اقدام می‌کنند نیز معجزی است.

◀ سوال: آیا صدور چک مستلزم ثبت مبلغ در سامانه صیاد است؟ **جواب:** بله (ماده ۲۱ مکرر ق.ص.ج.)

**شرایط
شکلی
چک**

۱. **امضای صادر کننده** (صدور چک فقط با امضا ممکن است، برخلاف برات و سفته که با مهر یا امضا ممکن است).
۲. **نام صادر کننده**
۳. **تاریخ صدور** (تاریخ صدور ممکن است به حروف یا عدد نوشته شود و در هر دو صورت معتبر است اما در صورتی که هم با حروف و هم با عدد نوشته شد و حروف و عدد با هم مغایرت داشته باشد، تاریخی که به حروف نوشته شده ملاک قرار می گیرد).
۴. **محل صدور** (همان وجوه با اعتباری که صادر کننده نزد محال علیه دارد).
۵. **نام بانک محال علیه** (بر روی چک، نام شعبه پرداخت کننده قید می شود، و نیازی به قید مجدد نیست).
۶. **گیرنده وجه** (ذینفع چک)؛ در مورد برگه چک هایی که از دسته چک های ارائه شده پس از پایان اسفندماه سال ۱۳۹۹ صادر شده اند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک براساس استعلام از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانک ها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند. در این موارد، **صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود.** چک هایی صادر شده از دسته چک هایی که تاریخ ارائه آن دسته چک ها قبل از زمان مذکور باشد، تابع قانون زمان ارائه دسته چک ست و بانک ها بدون نیاز به ثبت آن چک ها در سامانه صیاد نسبت به پرداخت وجه چک اقدام می کنند. در کلیه برگه های دسته چک های ارائه شده پس از تاریخ فوق الذکر باید عبارت (صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است.) درج شود.
۷. **مبلغ چک** (مبلغ چک ممکن است وجه رایج یا ارز خارجی باشد. برای پرداخت چک باید حساب صادر کننده از همان ارزی باشد که در چک درج شده است)
۸. **دستور پرداخت** بدون قید شرط (هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد).

ضمانت اجرای تخلف شرایط شکلی چک:

- **امضای چک:** چک بدون امضا اساساً سندیت ندارد.
- **سایر شرایط:** سند صادر شده، سند تجاری نبوده و از احکام و مزایای سند تجاری در قانون تجارت و قانون صدور چک نمی تواند استفاده کند. بلکه سند مدنی بوده و موجب تعهد صادر کننده آن می شود.

سرسید چک:

قانون صدور چک، چک وعده دار را به رسمیت شناخته است و در حال حاضر چک می تواند وعده دار باشد و صادر کننده مکلف است زمان پرداخت چک، محل آن را تأمین کند و پیش از آن تکلیفی ندارد. (مستفاد از مواد ۳ و ۳ مکرر و بنده ماده ۱۳ ق.ص.چ)

طریقه پرداخت وجه چک توسط بانک:

۱. بانک ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. (ماده ۱۱ ق.ص.چ)
 ۲. مواردی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از علل عدم پرداخت وجه چک توسط بانک است. (ماده ۳ ق.ص.چ)
- دقت داشته باشید:** در مورد چک هایی که پس از گذشت دو سال از لازم الاجراء شدن قانون جدید صادر می شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک براساس استعلام از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانک ها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند. (تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر ق.ص.چ)

موانع پرداخت وجه چک و صدور گواهی عدم پرداخت:

هرگاه وجه چک به علتی از قبیل ۱. فقدان یا کسری موجودی ۲. عدم مطابقت امضاء ۳. قلم خوردگی در متن چک ۴. اختلاف در مندرجات چک و امثال آن ۵. دستور عدم پرداخت (ماده ۱۴ ق.ص.چ) پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای (گواهی عدم پرداخت) که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود. در گواهی عدم پرداخت باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانک‌داری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم گواهی عدم پرداخت را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در گاهی عدم پرداخت باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد. (ماده ۴ ق.ص.چ)

سوال: چه مواردی باید در گواهی عدم پرداخت درج شوند؟

جواب: ۱. مشخصات چک ۲. هویت و نشانی کامل صادرکننده ۳. نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک ۴. علت یا علل عدم پرداخت ۵. مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانک‌داری).

▶ پرداخت قسمتی از وجه چک توسط بانک در صورت کسری موجودی؛ در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت‌شده پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنابه درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای (گواهی عدم پرداخت)، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی‌محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک می‌شود (تنها تفاوت گواهینامه عدم پرداخت در این فرض با فرض عدم پرداخت کل مبلغ چک این است در اینجا (کسری موجودی) گواهینامه عدم پرداخت جانشین اصل چک می‌شود). (ماده ۵ ق.ص.چ)

دستور عدم پرداخت وجه چک	
اشخاصی که می‌توانند دستور عدم پرداخت بدهند؛ (ماده ۱۴ ق.ص.چ)	۱. صادرکننده چک یا ۲. ذینفع (کسی که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد). یا ۳. قائم مقام قانونی آنها.
شرایط پذیرش دستور عدم پرداخت؛ (ماده ۱۴ ق.ص.چ)	تصریح به تحصیل مجرمانه چک (تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده) + کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد + بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید + دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک‌هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند.

در موردی که دستور عدم پرداخت صادر می‌شود، خود صادرکننده یا ذینفع هم حق برداشت وجه چک را نخواهند داشت، و بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا تا زمان انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری کند.

◀ دستور عدم پرداخت چک تضمین شده و مسافرتی ؛

پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. زیرا این چک‌ها شبیه به اسکناس هستند. بنابراین نمی‌توان دستور عدم پرداخت آن را داد مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. (تبصره ۳ ماده ۱۴ ق.ص.ج)

سوء اثر چک پرداخت نشدنی یا کسری موجودی چک و موارد رفع سوء اثر : (ماده ۵ مکرر ق.ص.ج)

بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:	
۱	عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید
۲	مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی
۳	عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه‌های ارزی یا ریالی
۴	عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی
۵	جلوگیری از دریافت دسته چک و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی
نکته: اجرای بند های فوق به غیر از بند شماره ۲) مسدودیت تمام حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ صادرکننده نزد بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری به میزان کسری مبلغ چک) ممکن است به تشخیص شورای تأمین استان درباره بنگاه‌های اقتصادی به مدت یک سال به حالت تعلیق درآید.	
نکته: سوء اثر چک نسبت به وکیل یا نماینده صاحب حساب که از طرف او چک صادر کرده است نیز اعمال می‌گردد، مگر اینکه در مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانک‌ها مکلفند به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهینامه مذکور درج نمایند.	
نکته: چنانچه صدور گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت باشد، سوء اثر محسوب نخواهد شد	

در هر یک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به صورت بر خط از چک رفع سوء اثر شود:	
۱	واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک محال علیه و ارائه درخواست مسدودی که در این صورت بانک مکلف است ضمن مسدود کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک سال، ظرف مدت سه روز واریز مبلغ را به شیوه ای اطمینان بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند.
۲	ارائه لاشه چک به بانک محال علیه.
۳	ارائه رضایت نامه رسمی (تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی) از دارنده چک یا نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک.
۴	ارائه نامه رسمی از مرجع قضائی یا ثبتی ذی صلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرایی در خصوص چک.
۵	ارائه حکم قضائی مبنی بر براءت ذمه صاحب حساب در خصوص چک.
۶	سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوی حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.
نکته: اگر هر یک از مقررات مربوط به سوء اثر یا رفع سوء اثر چک توسط بانک یا مؤسسه اعتباری رعایت نشود و موجب ورود خسارت به اشخاص شود، آن بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری مسئول جبران خسارت هستند.	

شیوه های وصول وجه چک از طریق مراجع ثبتی و قضائی :

- ۱. اقامه دعوی حقوقی:** دادگاه صالح جهت طرح دعوا در چک دادگاه محل اقامت خوانده یا محل صدور چک یا محل صدور گواهینامه عدم پرداخت می باشد.
- دقت داشته باشید:** دارنده چک می تواند از ظهرنویس چک و ضامن او تنها اصل وجه چک را مطالبه کند ولی از صادرکننده و ضامن او اصل وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و هزینه ها را دریافت دارد.
- سوال:** آیا دارنده چک می تواند پس از صدور حکم به پرداخت وجه چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را درخواست کند؟ **جواب: بله؛** دارنده چک می تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.
- دقت شود که:** دادگاه ها موظف هستند دعوی مربوط به الزام به ثبت چک در سامانه صیاد را نپذیرند. لذا، اگر فردی چکی صادر کرده اما آن را در سامانه صیاد ثبت نکرده باشد، طرف مقابل نمی تواند با طرح دعوا در دادگاه، او را به انجام این ثبت ملزم کند.
- ۲. مطالبه از طریق اجرای ثبت:** چک های صادر عهده بانک هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجراء است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آئین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادر کننده وصول نماید. (فقط وجه چک یا باقیمانده وجه را می توان از طریق اجرای ثبت از صادرکننده وصول نمود؛ در نتیجه از طریق اجرای ثبت، خسارت تأخیر تأدیه و سایر هزینه ها از صادرکننده قابل وصول نیست.)
- ◀ **اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک به نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.**
- ۳. مطالبه از طریق اجرای دادگستری (اجرائیه مستقیم):** دارنده چک می تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید.

الف- در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد؛

ب- در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است؛

ج- گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق قانون صادر نشده باشد؛ یعنی دلیل برگشت خوردن چک، دستور عدم پرداخت نباشد.

«صادرکننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق قانون نحوه محکومیت های مالی به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبلغ چک اقدام می نماید.

«اگر صادرکننده یا قائم مقام قانونی او دعاوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند، اقامه دعوی مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران ناپذیر وارد گردد که در این صورت با أخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرایی صادر می نماید. در صورتی که دلیل ارائه شده مستند به سند رسمی باشد یا اینکه صادرکننده یا قائم مقام قانونی مدعی مفقود شدن چک بوده و مرجع قضائی دلایل ارائه شده را قابل قبول بداند، توقف عملیات اجرائی بدون أخذ تأمین صادر خواهد شد. به دعاوی مذکور خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

۴. **طرح شکایت کیفری:** در خصوص چک هایی بر عهده شخص ایرانی صادر شده باشند و چک هایی که در ایران عهده بانک های خارج از کشور صادر شده باشند می توان طرح شکایت کیفری نمود.

«**شاکی:** شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. (دارنده چکی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر گردیده است). برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانک ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند.

در نتیجه: کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد. **دقت داشته باشید:** در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را به تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک گواهینامه عدم پرداخت را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود. **توجه:** هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

«**مشکنی عنه:** صادرکننده چک (علیه ظهنویس یا ضامن چک نمی توان شکایت صدور چک بلامحل طرح نمود).

«**شرایط طرح شکایت کیفری توسط دارنده چک :**

۱. اخذ گواهینامه عدم پرداخت ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور چک
 ۲. طرح شکایت کیفری ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت.
- توجه:** در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا به موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست.

«**هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:**

- الف- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.
- ب- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.
- ج- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چک های بلامحل نموده باشد مجموع مبالغ مندرج در متون چک ها ملاک عمل خواهد بود.

دقت شود: این مجازات شامل مواردی که ثابت شود چک های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی باشد.

◀ در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

- الف- در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده باشد.
- ب- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.
- ج- چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله و یا تعهدی است.
- د- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
- ه- در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

◀ قارهای تأمین کیفری در جرم صدور چک بلامحل:

۱. کفالت یا ۲. وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول)

حقوق تجارت چهار (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته)

[ورشکستگی]

در حقوق ایران ورشکستگی به موجب حکم دادگاه امکان پذیر است و تا قبل از حکم دادگاه، نمی توان نسبت به تاجر عنوان ورشکسته را بکار برد.

تاجری که از پرداخت دیون خود عاجز می شود به او ورشکسته می گویند. شخص ورشکسته از مداخله در امور مالی خود ممنوع می شود؛ یعنی اهلیت خود را از دست می دهد؛ بنابراین در امور مالی اهلیت ندارد و نیاز به قائم مقام دارد.

- در مناطقی که اداره امور تصفیه ورشکستگی وجود دارد: اداره تصفیه امور ورشکستگی قائم مقام ورشکسته می شود و تابع قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی است.

- در مناطقی که اداره امور تصفیه ورشکستگی وجود ندارد: مدیر تصفیه قائم مقام ورشکسته می شود: تابع قانون تجارت.

◀ چه کسانی مشمول مقررات ورشکستگی می شود؟

- اشخاص حقیقی: در صورتی که تاجر باشند، مشمول مقررات ورشکستگی می شوند.
- اشخاص حقوقی: کلیه اشخاص حقوقی طبق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، مشمول مقررات ورشکستگی می شوند.
- اشخاص غیر تاجر + کسبه جزء: باید دادخواست اعسار بدهند لذا مشمول مقررات ورشکستگی نمی شود.

برخی از تفاوت های آثار احکام اعسار و ورشکستگی	
۱	در اعسار پس از صدور حکم اعسار، معسر از اداره اموال خود منع نمی شود ولی در ورشکستگی تاجر ورشکسته مطابق ماده ۴۱۸ قانون تجارت از تاریخ صدور حکم ورشکستگی از مداخله در کلیه اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است.
۲	در اعسار پس از صدور حکم امکان طرح دعوی طلبکاران علیه معسر و بالعکس، از بین نمی رود اما در ورشکستگی پس از صدور حکم، حق طرح دعوی طلبکاران به طرفیت خود ورشکسته و بالعکس، از بین می رود و طبق ماده ۴۱۹ قانون تجارت دعوی طلبکاران تاجر باید به طرفیت مدیر تصفیه تاجر (به قائم مقامی از تاجر) طرح شود و دعوی تاجر نیز از ناحیه مدیر تصفیه وی باید طرح شود.
۳	حکم اعسار جنبه نسبی دارد؛ در نتیجه حکم اعسار صرفاً نسبت به دو طرف پرونده اعسار لازم الاجرا است اما حکم ورشکستگی دارای اثر عام می باشد؛ بنابراین با صدور حکم ورشکستگی و قطعیت آن، کلیه طلبکاران تاجر، حتی افرادی که طرف دعوی ورشکستگی نبوده اند مشمول حکم صادره خواهند بود.

شرایط تحقق ورشکستگی:

۱. **تاجر بودن:** لازم است برای دادگاه رسیدگی کننده به دعوی ورشکستگی احراز شود که شخصی که تقاضای ورشکستگی او داده شده، تاجر است.

• **دقت شود:** همانطور که گفتیم اشخاص حقوقی غیر تاجر نیز طبق ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی می توانند ادعای ورشکستگی نمایند.

• **در خصوص شخص متوفی توجه داشته باشید:** طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت اگر متوفی تاجر بوده و زمانی که فوت کرده در حال توقف بوده امکان صدور حکم ورشکستگی برای او علیرغم فوت وجود دارد. توجه داشته باشید منظور از یک سال، مهلت یک ساله برای تقدیم دادخواست ورشکستگی از تاریخ فوت به دادگاه است نه اینکه اگر تا یک سال از تاریخ فوت حکم ورشکستگی صادر نشده باشد دیگر امکان صدور حکم ورشکستگی وجود ندارد. به این نکته نیز توجه داشته باشید که مطابق مقررات ماده ۲۷۴ قانون امور حسبی، تصفیه ترکه تاجر متوفی اعم از اینکه متوقف باشد یا نباشد بر اساس مقررات ورشکستگی صورت می گیرد.

۲. **توقف از پرداخت دیون:** ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می شود. (ماده ۴۱۲ ق.ت.)

سوال: دین باید چه ویژگی داشته باشد تا بتواند باعث صدور حکم ورشکستگی تاجر شود؟

۱. دین باید حال باشد؛ بنابراین طلبکار تاجر به استناد طلبی که موجد است و هنوز سررسید آن فرا نرسیده است نمی تواند تقاضای ورشکستگی تاجر را بنماید.

۲. دین باید مسلم باشد؛ بنابراین اگر طلب مشروط بوده و شرط محقق نشده، طلبکار نمی تواند به استناد عدم پرداخت این دین تقاضای ورشکستگی تاجر را بنماید.

دادخواست ورشکستگی:

در دادخواست ورشکستگی که توسط تاجر ارائه می شود، می بایست لیست اموال ضمیمه دادخواست گردد و تصویر مصدق اسناد مالکیت پیوست باشد. در صورت عدم رعایت اخطار رفع نقص صادر گردد. (رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۱۴ قانون تجارت)

دقت داشته باشید: دعوی ورشکستگی خارج از نوبت رسیدگی گردد.

موارد صدور حکم ورشکستگی (اشخاص ذینفع در تقاضای صدور حکم ورشکستگی):

۱. بر حسب اظهار خود تاجر
۲. به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها
۳. بر حسب تقاضای دادستان

مفاد حکم ورشکستگی: (دادگاه در حکم ورشکستگی که صادر می‌نماید می‌بایست به چه مواردی اشاره کند؟)

۱. احراز شرایط توقف؛ یعنی ۱. تاجر بودن + ۲. توقف از تادیه دین
۲. تعیین تاریخ توقف؛ محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین کند و اگر در حکم معین نشد تاریخ صدور حکم تاریخ توقف محسوب است. (ماده ۴۱۶ ق.ت)
۳. تعیین مسئولان تصفیه؛ تعیین یک نفر شخص حقیقی به عنوان مدیر تصفیه و تعیین یک نفر شخص حقیقی به عنوان عضو ناظر
 - مدیر تصفیه جهت اداره اموال و انجام امر تصفیه تعیین گردد و جهت احراز صحت عملیات تصفیه توسط مدیر تصفیه نیز عضو ناظر تعیین می‌گردد.
 - عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آن است.
 - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن در صلاحیت محکمه است عضو ناظر به محکمه راپرت خواهد داد.
 - مرجع شکایت از عضو ناظر محکمه ای است که عضو ناظر را معین کرده.
 - محکمه همیشه می‌تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.
 - استان‌هایی که اداره تصفیه تشکیل شده است اجرای مفاد حکم به عهده ادارات تصفیه می‌باشد.
۴. تعیین نوع ورشکستگی از حیث عادی، تقصیر و یا تقلب؛
 - انواع ورشکستگی:
 ۱. ورشکستگی عادی: هر ورشکستگی که به تقصیر و تقلب نباشد.
 ۲. ورشکستگی به تقصیر؛
 - الف) ورشکستگی به تقصیر اجباری؛
 - در موارد زیر تاجر ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود:
 ۱. فوق العاده بودن مخارج نسبت به درآمد در ایام عادی
 ۲. صرف مبالغ عمده در تجارت موهوم؛ شرط بندی
 ۳. فروشی نازل تر یا خریدی بالاتر / به کاربردین وسایلی که دور از صرفه است / تحصیل وجه به هر وسیله؛ به قصد به تاخیر انداختن ورشکستگی
 ۴. ترجیح یکی از طلبکاران بر سایرین و پرداخت طلب او پس از تاریخ توقف
 - ب) ورشکستگی به تقصیر اختیاری؛
 - در موارد زیر ممکن است تاجر ورشکسته به تقصیر اعلان شود:
 ۱. فوق العاده بودن تعهدات به حساب دیگری بدون دریافت عوض
 ۲. عدم اعلام توقف در ظرف ۳ روز
 ۳. دفتر نداشته / دفتر ناقص یا بی ترتیب بوده / در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را صحیح معین نکرده باشد.
۳. ورشکستگی به تقلب؛
 - در موارد زیر تاجر ورشکسته به تقلب اعلان می‌شود:
 ۱. مفقود نمودن دفاتر
 ۲. مخفی نمودن تمام یا قسمتی از اموال
 ۳. از بین بردن تمام یا قسمتی از اموال با معامله یا مواضعه صوری
 ۴. تقلب در در اسناد و صورت دارایی برای اعلام دیون

اعتراض ثالث در ورشکستگی:

در ورشکستگی طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۴/۳، بحث اعتراض ثالث (ماده ۴۱۷ آ.د.م) قابلیت اجرا ندارد.

آثار ناشی از حکم ورشکستگی نسبت به شخص تاجر:

۱. **نسبت به اموال تاجر؛** با صدور حکم ورشکستگی تاجر از دخالت در کلیه اموال خود ممنوع می‌شود؛ در نتیجه با آثاری از جمله موارد زیر مواجه می‌گردد:
 - عدم امکان انعقاد قرارداد از ناحیه تاجر
 - عدم امکان تهاتر بین طلب از تاجر و دین به تاجر
 - عدم امکان پرداخت بدهی به پستانکاران از ناحیه تاجر
 - عدم امکان انعقاد قرارداد داورى از ناحیه تاجر
۲. **پس از صدور حکم ورشکستگی هر طلبکاری که ادعایی علیه تاجر دارد می‌بایست دعوای خود را به طرفیت مدیر تصفیه او که قائم مقام قانونی تاجر است طرح کند و همچنین اگر نیاز است از ناحیه تاجر دعوایی علیه کسی مطرح گردد دعوای می‌بایست از ناحیه مدیر تصفیه طرح گردد، کلیه عملیات اجرائی نیز مشمول همین قاعده است.**

دقت داشته باشید که: دعوای کیفری مطلقاً و دعوای حقوقی که تأثیری در حقوق طلبکاران ورشکسته ندارد مشمول امر فوق نمی‌باشند.

۳. حال شدن دیون و منع پرداخت خسارت تأخیر تأدیه؛

- با صدور حکم ورشکستگی تاجر، طلب هر پستانکاری که در آینده از تاجر طلبکار است با رعایت تخفیفات مقتضیه که حتماً باید با جلب نظر کارشناس صورت بگیرد به طلب حال تبدیل می‌شود اما مطالبات تاجر از دیگران مشمول این قاعده نبوده و بدهکار تاجر در همان سر رسید دین مکلف به تأدیه دین خود می‌باشد. (طبق ماده ۴۰۵ ق.ت. حال شدن دیون تاجر ورشکسته، موجب حال شدن دیون سایر اشخاصی که به نحو تضامن یا در مورد خاصی مسئول دیون او هستند نخواهد بود)
- از بعد از تاریخ توقف به دیون تاجر ورشکسته خسارت تأخیر تأدیه تعلق نمی‌گیرد. دقت شود که: به موجب رأی وحدت رویه، ضامن ورشکسته مانند خود ورشکسته بعد از تاریخ توقف از پرداخت خسارت تأخیر تأدیه معاف می‌باشد.

۴. نسبت به معاملات تاجر؛

الف) معاملات قبل از تاریخ توقف: کلیه معاملات این دوران صحیح است مگر در موارد ذیل:

- ۱- **اگر تاجر قبل از تاریخ توقف به قصد فرار از ادای دین یا اضرار به طلبکاران معامله ای انجام داده باشد که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله باشد؛** در خصوص این معامله دقت شود که: اگر بیش از دو سال از تاریخ معامله نگذشته باشد از ناحیه مدیر تصفیه یا طلبکاران تاجر قابل فسخ است. چنانچه مدیر تصفیه درخواست فسخ معامله را بنماید و طرف معامله با تاجر حاضر شود ضرر بیش از ربع را جبران کند معامله فسخ نخواهد شد و الاً با فسخ معامله توسط دادگاه، صرفاً اصل مال از طرف معامله‌ی تاجر اخذ خواهد شد و وجهی که پرداخته عیناً به او پرداخت خواهد شد. و جزء غرمای ورشکسته قرار نخواهد گرفت. (ماده ۴۲۴ ق.ت.)
- ۲- **اگر قبل از توقف تاجر معامله ای را به طور صوری یا مسبوق به تبانی انجام داده باشد آن معامله خود به خود باطل است و با حکم دادگاه بر تنفیذ بطلان، عین و منافع مال از طرف معامله با تاجر اخذ می‌شود و اگر طلبکار شود جزء طلبکاران تاجر حصه غرمایی خواهد برد.** (ماده ۴۲۶ ق.ت.)

ب) معاملات دوران توقف یا مشکوک (بین تاریخ توقف تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی): در این دوران معاملات ذیل باطل و بلا اثر است؛ (ماده ۴۲۶ + ۴۲۳ ق.ت.).

۱- معاملاتی که به طور صوری یا مسبوق به تبانی واقع شده است.

۲- هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

۳- تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

دقت داشته باشید که طبق رأی وحدت رویه شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۹؛ کلیه توقیف اموالی که توسط دادگاه به نفع بعضی از بستانکاران ورشکسته قبل از صدور حکم ورشکستگی تاجر صورت گرفته با توجه به مفاد ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه باطل دانسته است. چنانچه تأدیه دین در این دوران شکل ظاهری بیع داشته باشد با توجه به ماهیت واقعی آن که تأدیه دین است باطل می باشد. به عنوان مثال بستانکار ورشکسته در دوران توقف با تحویل گرفتن ملکی از ورشکسته در قالب عقد بیع مطالبات خود را وصول می کند در حالیکه ثمن برای این بیع پرداخت نمی کند و ثمن وجهی است که از قبل از ورشکسته طلب داشته است.

۴- هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.

ج) معاملات تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی؛ در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد بدین صورت که برخی کلیه معاملاتی که تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی انجام دهد باطل و بلا اثر می دانند ولی عده ای دیگر معتقد به عدم نفوذ هستند و اختیار تنفیذ یا عدم تنفیذ آن را با در نظر گرفتن صرفه و صلاح بستانکاران به عهده مدیر تصفیه گذاشته اند.

تصفیه ورشکستگی

پس از صدور حکم ورشکستگی حکم جهت اجرای امر تصفیه ورشکسته حسب مورد به مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی ارجاع می شود مدیر تصفیه اقدامات تصفیه را بر اساس مقررات قانون تجارت و اداره تصفیه بر اساس مقررات قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی انجام خواهد داد:

اقدامات تصفیه بر اساس مقررات قانون تجارت:

ارگان های تصفیه به موجب قانون تجارت عبارتند از: دادگاه، دادستان، مدیر تصفیه، عضو ناظر.

وظایف مدیر تصفیه و عضو ناظر در رابطه با تصفیه امور تاجر ورشکسته

۱. مهر و موم:

- محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می دهد
- مهمترین اقدام تأمینی، مهر و موم اموال تاجر است و این کار توسط عضو ناظر برای جلوگیری از سوء استفاده صورت می گیرد.
- مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.
- انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود.
- اموالی که قرار است مهر و موم شود غیر از اموالیست که مستثنیات دین نامیده می شوند.
- اگر در بین اموال تاجر اموالی وجود داشته باشد که اگر مهر و موم شوند ضایع و فاسد خواهند شد یا کسر قیمت حاصل خواهند کرد، مهر و موم نمی شوند و با اجازه عضو ناظر توسط مدیر تصفیه به فروش می روند.
- اگر تاجر ورشکسته در راستای انجام وظایف مدیر تصفیه و عضو ناظر ایجاد مزاحمت کند، قرار توقیف وی توسط دادگاه صادر خواهد شد.

۲. دعوت از طلبکاران: پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده اسناد طلب خود یا سواد مصدق (کپی برابر اصل) آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

۳. تشخیص و تصدیق مطالبات:

- تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف ۳ روز از تاریخ انقضاء مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده، شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین می گردد به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد، تعقیب می شود.
- هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورتحساب دارایی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به هم رسانیده و نسبت به طلب هایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید. همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.
- اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می کند: «جزو قروض ... مبلغ ... قبول شد به تاریخ ...»
- هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است. دقت شود: اشخاصی که به قصد تقلب، به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده باشند مجرم محسوب و مطابق قانون مجازات اسلامی به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد.

- اگر طلب، متنازع فیه (مورد اختلاف) واقع شد، عضو ناظر می تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپرت (گزارش) عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به عمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.
- طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده اسناد طلب خود یا سواد مصدق (کپی برابر اصل) آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه تسلیم نکرده اند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده، حق هیچ گونه اعتراضی ندارند، ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به عمل آید، جزء غراما محسوب می شوند، بدون اینکه حق داشته باشند حصه ای را که در تقسیمات سابق، به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند؛ یعنی نسبت به اموالی که هنوز تقسیم نشده حق دارند ولی نسبت به اموالی که میان طلبکاران تقسیم شد، این طلبکار هیچ حقی نخواهد داشت.
- در شهرهایی که امر تصفیه امور ورشکسته توسط مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر انجام می پذیرد، تصرف در وجوه حاصله از فروش اموال و وصول مطالبات، ددین صورت است که در صندوق دادگستری و به حساب مخصوص نگهداری می شود و به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه، قابل برداشت است.

۴. طبقه بندی طلبکاران:

- طلبکاران تاجر در سه طبقه قرار می گیرند :
 - طبقه اول: طلبکاران با حق وثیقه؛
 - طبقه دوم: طلبکاران ممتاز یا با حق رجحان؛
 - طبقه سوم: طلبکاران عادی.

۵. دعوت از طلبکاران جهت اخذ تصمیم در خصوص انعقاد قرارداد ارفاقی توسط عضو ناظر:

- بعد از اینکه طلبکاران تاجر ورشکسته مشخص شدند، عضو ناظر آنها را دعوت میکند (که این دعوت از طریق دفتر دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی تاجر است) که جلسهای تشکیل دهند و تصمیم بگیرند در خصوص اینکه آیا با تاجر ورشکسته، قرارداد ارفاقی منعقد کنند یا خیر.
- در قرارداد ارفاقی یک طرف قرارداد خود تاجر ورشکسته و طرف دیگر آن طلبکاران او هستند.
- اگر طلبکاران تاجر ورشکسته با تاجر، قرارداد ارفاقی منعقد کنند، اموال تاجر تقسیم نخواهد شد بلکه در اختیار تاجر ورشکسته قرار می گیرد تا به فعالیت تجاری خودش ادامه دهد. در حقیقت طلبکاران به تاجر ورشکسته ارفاق کرده اند و به او مهلت می دهند تا به فعالیت تجاری خود ادامه دهد و در مقابل آن تاجر ورشکسته نیز متعهد می شود که مطابق با شرایط قرارداد عمل کند و در مواعدی که تعیین شده طلب طلبکاران را بپردازد.

قرارداد ارفاقی:

۱. تشریفات قرارداد ارفاقی؛

- عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماده ۴۶۷ ق.ت. معین شده به توسط دفتر دار محکمه کلیه طلبکارهائی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می‌نماید- موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعهای دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود.
- مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود- طلبکارهائی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهائی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می‌شوند تاجر ورشکسته نیز باین مجمع احضار می‌شود مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.
- مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد راپورت مزبور به امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلسی ترتیب دهد.

۲. شرایط صحت و لازم الاجرا شدن قرارداد ارفاقی؛

۱. عمل به تشریفات فوق

۲. موافقت و رضایت اکثریت طلبکاران:

- قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق قانون تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند و الاً بلااثر خواهد بود.
- هر گاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می‌شود.
- طلبکارهائی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است- اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود.
- تاجر مورد نظر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم نشده باشد. (در مورد تاجری که ورشکسته به تقصیر است، امکان انعقاد قرارداد ارفاقی وجود دارد).
- قرارداد ارفاقی بایستی به تصویب دادگاهی که حکم ورشکستگی را صادر کرده بود برسد.
- دقت شود: دادگاه صرفاً میتواند در این حیطه بررسی کند که آن تشریفات که قانونگذار بیان کرده رعایت شده و آن شرایط صحت قرارداد ارفاقی وجود داشته باشد؛ بنابراین دادگاه حق و تو نداشته و نمی‌تواند بدون دلیل، قرارداد ارفاقی را رد نماید.

۵. ماده ۴۶۷ قانون تجارت: اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می‌کند: «جزو قروض مبلغ قبول شد به تاریخ»
- هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

۳. آثار قرارداد ارفاقی؛

- الف) نسبت به خود تاجر؛ هر چند حکم ورشکستگی وی صادر شد و از اموال خود ممنوع المداخله شد، اما به محض اینکه قرارداد ارفاقی منعقد شد و به تصویب دادگاه رسید، این تاجر از ممنوع المداخله بودن در اموالش خارج و به معاملتیش ادامه می‌دهد.
- ب) نسبت به حکم ورشکستگی: انعقاد قرارداد ارفاقی حکم ورشکستگی را به حالت تعلیق در می‌آورد.
- ج) نسبت به موافقین قرارداد ارفاقی یا کسانی که ظرف مدت ۱۰ روز از انعقاد آن قرارداد ارفاقی، ملحق به آن قرارداد شدند (یعنی آن قرارداد را امضا کردند): این طلبکاران موافق فعال آن حصه‌ای را که بایستی بابت طلبشان دریافت می‌کردند، دریافت نمی‌کنند. چون این موافقین به تاجر ورشکسته اجازه می‌دهند که او به فعالیت تجاری خودش ادامه دهد.
- د) نسبت به مخالفین قرارداد ارفاقی: آن حصه‌ای که بابت طلبشان است را دریافت می‌کنند (سهم غرمایی؛ یعنی تمام طلبشان را دریافت نمی‌کنند بلکه حصه و بخشی از آن را اخذ می‌کنند) و تا زمانی که آن تاجر ورشکسته کل طلب طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی را پرداخت کند، حق مطالبه تمام طلبشان را ندارند.

۴. موارد ابطال قرارداد ارفاقی؛

۱. در صورتی که پس از تصدیق قرارداد ارفاقی مکشوف شود که در میزان دارائی یا مقدار قروض حيله بکار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.
۲. مخالفین این قرارداد ارفاقی در دادگاه اعتراض کنند و دادگاه این اعتراضشان را موجه تشخیص دهد و قرارداد ارفاقی را باطل کند. (۴۸۶ ق.ت.).
۳. در مورد محکومیت تاجر ورشکستگی به تقلب.

۵. موارد فسخ قرارداد ارفاقی؛

۱. اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکرد ممکن است برای «فسخ» قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.
۲. در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلبکارها می‌توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته «فسخ» می‌شود. در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.

۶. فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی چه آثاری دارد؟

۱. اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می‌شود.
۲. اعاده وضعیت ورشکستگی
۳. صحت معاملات دوره بین انعقاد قرارداد ارفاقی تا ابطال یا فسخ آن قرارداد است مگر در صورتی که معلوم شود ۱. به قصد اضرار بوده + ۲. به ضرر طلبکاران هم باشد.
۴. در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی، دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شدند، به غرما تقسیم می‌شود.

اقدامات تصفیه بر اساس مقررات قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی:

۱. **مهر و موم و صورت برداری اموال ورشکسته:** همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد و رونوشت آن به اداره تصفیه رسید اداره صورتی از اموال ورشکسته برداشته اقدامات لازمه را از قبیل مهر و موم برای حفظ آنها به عمل می آورد.
۲. **اقدامات برای حفظ حقوق طلبکاران و تاجر:** متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر اینکه صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد - در صورت اقتضاء اداره تصفیه می تواند اقدام به جلب او نماید و چنانچه توقیف او لازم شود قرار توقیف را از دادگاه می خواهد.

رفع توقیف به دستور اداره تصفیه به عمل می آید - ورشکسته می تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یک بار به دادگاه صادر کننده قرار توقیف شکایت نموده رفع آن را بخواهد. - اداره تصفیه می تواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب النفقه او را مخصوصاً در موردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار می دهد به او بدهند و نیز تعیین خواهد نمود که تا چه مدت متوقف و خانواده اش می توانند در خانه که بوده اند سکنی نمایند.

۳. **دعوت از بستانکاران ورشکسته:** اداره تصفیه بعد از ارجاع امر تصفیه به اداره، در روزنامه رسمی و روزنامه محلی به فاصله ده روز، دو نوبت آگهی می نماید و از بستانکاران ورشکسته دعوت می کند مبنی بر اینکه چنانچه طلبی از ورشکسته دارند یا ادعایی علیه وی دارند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آگهی به اداره تصفیه مراجعه و ادعای خود را مطرح کنند چنانچه شخصی خارج از مهلت مراجعه کند دیگر ادعای وی مسموع نخواهد بود مگر اینکه عذر موجه داشته باشد.

دقت شود: طلبکاری که از شخص ورشکسته به موجب سند رسمی وثیقه ملکی در اختیار دارد حتی اگر به اداره تصفیه مراجعه و ادعای طلب نکند اداره تصفیه مکلف به لحاظ طلب وی می باشد ولی سایر طلبکاران در صورت عدم مراجعه به اداره تصفیه در مهلت مقرر دو ماهه قانونی و عدم تشکیل پرونده طلب، ادعای طلب آنان مسموع نخواهد بود و از طریق اداره تصفیه قابل وصول نخواهد بود مگر آنکه عذر موجهی برای تأخیر در مراجعه داشته باشند.

۴. **بررسی مطالبات و انتشار آگهی صورت طبقه بندی بستانکاران ورشکسته:** بعد از انقضاء مهلت دو ماهه ادعای طلب از ناحیه بستانکاران اداره تصفیه نسبت به بررسی مطالبات ادعایی از ورشکسته اقدام نموده و بعد از اینکه کل پرونده های طلب مورد رسیدگی قرار گرفت و میزان طلب و طبقه طلب هر طلبکار مشخص شد نسبت به تنظیم صورت طبقه بندی و انتشار آگهی صورت طبقه بندی بستانکاران (یک نوبت در همان روزنامه ای که آگهی حکم ورشکستگی منتشر شده) اقدام می کند و ظرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی هر طلبکاری که کل یا قسمتی از طلب وی مورد پذیرش اداره تصفیه قرار نگرفته یا ادعای موثق یا رجحان دار بودن طلب وی پذیرفته نشده حق اعتراض به تصمیم اداره تصفیه را در دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی دارد این اعتراض در قالب طرح دعوای حقوقی به طرفیت اداره تصفیه و به خواسته اعتراض به صورت طبقه بندی می باشد دادگاه به این اعتراضات رسیدگی می نماید و حکم صادره نیز قابلیت تجدیدنظرخواهی دارد. بعد از رسیدگی به این اعتراضات و تعیین تکلیف کلیه اعتراضات به عمل آمده در دادگاه ها لیست طلبکاران ورشکسته قطعیت می یابد در این مرحله چنانچه اصل حکم ورشکستگی صادره نیز قطعیت یافته باشد اموال ورشکسته از طریق مزایده فروخته شده و وجه حاصله از فروش به صورت سهم غرمایی بر اساس صورت طبقه بندی قطعی شده و پس از انتشار آگهی صورت تقسیم وجوه، بین بستانکاران ورشکسته مندرج در لیست صورت طبقه بندی تقسیم می گردد.

۵. فروش اموال ورشکسته:

اصل: فروش اموال ورشکسته الزاماً از طریق مزایده به عمل می‌آید.

استثنائات: ۱. اموال ضایع و فاسد شدنی ۲. اشیاء سیم و زر که نباید به کمتر از بهای فلزی آنها به فروش برسد. ۳. اموالی که در بورس یا بازار قیمت معینی دارد ۴. اموالی که الاقل نصف به عاقله یک نفر از طلبکاران که دارای حداقل ۴/۳ از مطالبات تأیید شده باشند رضایت به فروش بدون مزایده آن بدهند. ۵. اشیاء مورد وثیقه در صورتی که بستانکارانی که نسبت به آن حق وثیقه دارند اجازه فروش از طریق غیر مزایده را بدهند. **دقت داشته باشید:** اموال غیرمنقول ورشکسته که در وثیقه قرار دارد حتی با رضایت صاحب وثیقه نیز امکان فروش از طریق غیر مزایده را ندارد مگر اینکه اکثریت بستانکاران با فروش بدون مزایده آن موافقت کنند.

دقت شود: درخصوص امکان و شرایط فروش غیرنقدی اموال تاجر ورشکسته توسط اداره تصفیه امور ورشکستگی، فروش غیرنقدی اموال ورشکسته مجاز است، لیکن تسلیم مال منقول و انتقال قطعی مال غیرمنقول نباید قبل از پرداخت بها صورت گیرد.

۶. تقسیم دارایی تاجر میان طلبکاران: بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم

حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شود. (ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مطالعه شود).

دقت شود: چنانچه بستانکار وثیقه ای که در اختیار دارد مربوط به خود ورشکسته نباشد و وثیقه از دیگری اخذ شده باشد این دسته مطالبات در اداره تصفیه جزء مطالبات عادی محسوب می‌شوند. (ماده ۴۲ آئین نامه قانون اداره تصفیه)

نکته: زمانی که صورت طبقه بندی بستانکاران ورشکسته تنظیم و قطعی شده و اموال ورشکسته نیز فروخته شده است امکان پرداخت مطالبات بستانکاران وجود دارد، لذا در اجرای ماده ۴۶ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی^۶ صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی تنظیم می‌شود و هزینه های مربوطه کسر و صورت تقسیم و حساب نهایی در مدت ده روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به آنها اطلاع داده می‌شود. پرداخت مطالبات پس از انقضای مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ به بستانکاران و نشر آگهی می‌باشد و در صورت اعتراض، می‌بایست به استناد ماده ۵۹ آئین نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی^۷ پرداخت پس از رسیدگی به اعتراض معترضین به عمل آید.

رسیدگی به شکایات از اقدامات اداره تصفیه:

- مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه دادگاهی است که حکم توقف را صادر کرده است. شکایت به هیچ وجه جریان کار را توقیف نمی‌کند مگر در مواردی که عمل مورد شکایت جبران ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری بدهد.
 - رسیدگی به شکایت از اقدامات اداره تصفیه بدون تعیین وقت رسیدگی و خارج از نوبت به عمل می‌آید و رسیدگی بدون تشریفات می‌باشد و نتیجه رسیدگی در صورت پذیرش اعتراض در قالب تصمیم به اداره ابلاغ می‌شود.
- دقت شود:** در خصوص اعتراض به اقدامات مدیر تصفیه، شکایت از عملیات نامبرده به عضو ناظر می‌شود.

۶. ماده ۴۶ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی: وقتی که پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردید اداره صورتی از حاصل دارائی و حساب نهائی آن تنظیم خواهد نمود.

۷. ماده ۵۹ آئین نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی: قبل از اقدام به تقسیم اداره باید مطمئن شود که هیچگونه اعتراضی در ظرف مدت مقرر نسبت به صورت تقسیم به عمل نیامده است.

در صورتی که نسبت به این صورت اعتراضی شده باشد اداره تصفیه برای تقسیم منتظر نتیجه رسیدگی به این اعتراض خواهد بود.

استرداد:

منظور از استرداد، استرداد اموال است؛ یعنی اگر تاجر ورشکسته اموالی نزد بقیه داشته باشد، ارگان تصفیه (مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی حسب مورد)، می تواند آن اموال را مسترد کند. اگر دیگران هم اموالی را در نزد تاجر داشته باشند و عین آن اموال وجود داشته باشند، می توانند مال خود را مسترد نمایند. در این خصوص به نکات زیر توجه نمایید:

۱. اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تأدیه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند.
۲. مال التجارهائی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور به امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.
۳. مال التجارهائی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.
۴. هر گاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و به طور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.
۵. اگر مال التجاره که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود و الا موافق توضیح شماره ۲ در فوق، قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که به طور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تأدیه شده یا از این بابت ها باید تأدیه بشود به طلبکارها بپردازد. **(دقت شود: مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.)**
۶. هر گاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کس دیگر که به حساب او بیاورد آن کس می تواند به اندازه که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند. **(دقت شود: مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.)**
۷. مدیر تصفیه می تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضی را می دهد.

اعاده اعتبار:

اعاده اعتبار دو نوع است:

اول (اعاده اعتبار حقی (حقیقی): در این نوع از اعاده اعتبار، تاجر ورشکسته‌ای که تمام دیون خود را با متفرعات آن بپردازد، اعاده اعتبار می‌نماید. دوم (اعاده اعتبار قانونی (حکمی): در این نوع از اعاده اعتبار وجود شرایط زیر لازم است:

(۱) انقضای مدت پنج سال از تاریخ اعلان (نه ابلاغ) حکم ورشکستگی؛

(۲) اثبات صحت عمل در مدت فوق؛

(۳) انعقاد قرارداد ارفاقی توسط تاجر با بستانکاران و پرداخت تمام وجوهی که به موجب قرارداد ارفاقی به عهده ورشکسته قرارگرفت یا ابرای ذمه ورشکسته توسط بستانکاران یا اعلام رضایت برای اعاده اعتبار (وجود یکی از این سه شرط کافی است). در هر حال؛ اگر تاجر ورشکسته به مجازات ورشکسته به تقلب، سرقت، کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده باشد، باید ابتدا اعاده حیثیت نموده تا پس از آن، حکم اعاده اعتبار وی صادر شود.

نکته: اعاده اعتبار تجارتی تاجر ورشکسته در هر حال منوط به صدور حکم توسط دادگاه است.

نکته: دادخواست اعاده اعتبار تاجر ورشکسته به دادستان حوزه قضایی دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی داده می‌شود.

پایان

خوش بدرخشی مشاهیری جان